



دستورالعمل برای معلمان

وقت کتاب مقدس سطح ۱ و ۲

سری C

دروس ۱ - ۶

خدمات آموزشی کتاب مقدس

تحت شماره ۱۱۸۶۰۰۴ امور خیرخواهانه و نیکوکاری در بریتانیا ثبت گردیده است

هدف

تهیه دروس کتاب مقدس برای افرادی که حقیقت عیسی مسیح را به نسلهای بعدی جهان منتقل کنند.

چشم انداز

تا با توسعه و پشتیبانی از طریق شرکای متعهد در شبکه جهانی با درسهایی که به زبان خودشان آماده کرده ایم بتوانیم به نسل بعدی دسترسی داشته باشیم.

اطلاعات کلی

خدمات آموزشی کتاب مقدس چه می کند: -

خدمات آموزشی کتاب مقدس (خاک)، "وقت کتاب مقدس"، "زندگی تازه" و "خوشه چینان" را در قالب دروس کتاب مقدس تدوین و منتشر نموده و از مدارس پستی کتاب مقدس و نهادهای مشابه با دروس (خاک) در بریتانیا و خارج بواسطه ملاقات، شبکه سازی، مشاوره و آموزش حمایت و پشتیبانی بعمل می آورد. در حال حاضر (خاک) بواسطه همیاری با گروههایی در کشورهای دیگر که بواسطه ترجمه، طراحی، انتشارات و توزیع دروس دخیل هستند مشارکت دارد. دروس بایستی بطور رایگان در دسترس تمامی دانش آموزان قرار گیرد.

دروس وقت کتاب مقدس برای اولین بار در جنوب ایرلند و بیش از ۵۰ سال پیش مورد استفاده قرار گرفت. خدمات آموزشی کتاب مقدس مسئولیت سردبیری دروس وقت کتاب مقدس به زبان انگلیسی و همه زبانهای خارجی را بعهده دارد. دروس وقت کتاب مقدس معمولاً در قطع و سایز ۴A چاپ میشود که در برخی نواحی دانش آموزان را قادر می سازد تا هر چهار هفته دروس را برای تصحیح و نمره گذاری به مرکز مدرسه کتاب مقدس عودت دهند. با تشکر از EHC (جنبش احیا و بیداری) در بلغاست که اخیراً دروس رای برای شش ماه در سایز ۵A به چاپ رسانده اند که استفاده آن در کلیساها و مدارس بسیار آسانتر شده است مخصوصاً در جاهایی که سیستم پستی کارا و مفیدی وجود ندارد.

دروس خاک منحصر بفرد هستند بطوریکه برای مطالعه در خانه یا گروه (کلیسا / مدرسه) تدارک دیده شده در پی یک ریز دروس برنامه ریزی شده که به دانش آموزان اجازه می دهد که مطالعات خود را قریب به ۲۰ سال ادامه دهند. پنج سطح از دروس برابر گروههای سنی خاص موجود است از جمله پیش دبستانی، گروه سنی ۵ - ۷ سال، ۸ - ۱۰ سال، ۱۴ - ۱۶ سال. برای هر گروه سنی سه سال ریز دروس وجود دارد (صفحه ۴ را ببینید). گروههای سنی بر اساس تواناییها میتواند گوناگون باشد. مراجع درسی وقت کتاب مقدس به کودکان فرصتی داده تا کلام خدا را مطالعه کنند، داستانهای کتاب مقدس را یاد بگیرند و با چالشهایی در ارتباط با انجیل در زندگی خویش روبرو شوند.

دروس قابل چاپ به زبان انگلیسی در وبسایت com.besweb.www و یا از طریق منشی امور بین الملل در دسترس می باشد. دروس فوق همچنین در زبانهای دیگر از روی وبسایت موجود است. BES اسنادی دارد که برای شما مفید خواهد بود چنانچه بخواهید مشارکت با ما را در مد نظر قرار دهید که این اسناد نیز بر روی وبسایت قرار دارد.

مکاتبه و تماس با BES از طریق های زیر میسر است

UK (Northern Ireland) Office (stockist of all English lessons)
37a Belmore Street, Enniskillen, Northern Ireland BT74 6AA
Phone: 00 44 286 632 2462

UK Secretary

Mr Stephen Gillham

Email: stephen@sgillham.co.uk

Web address: www.besweb.com

Email address: info@besweb.com

دستورالعمل هایی برای معلمان

در اصل و در ابتدا دروس وقت کتاب مقدس تدوین گردید تا از طریق سیستم پستی با یک مرکز مدرسه کتاب مقدس مورد استفاده قرار گیرد ولی دروس بطور فزاینده در جاهایی که سیستم پستی قابل اعتماد نبوده و یا وجود نداشتند مخصوصاً در کلیساها و مدارس در آفریقا، هند و دیگر مکانها مورد استفاده قرار گرفته بود.

هر راهنمای آموزشی از همان مرجعی تبعیت میکرد که در دروس وقت کتاب مقدس بکار گرفته شده بود. دروس وقت کتاب مقدس و دستورالعمل ها طراحی شده اند تا بر اساس هفتگی مورد استفاده قرار گیرند. دروس آوریل بطور خاص به عید پاک مرتبط هستند و دروس دسامبر به کریسمس مرتبط می باشند.

دروس خاک منحصر بفرد هستند بطوریکه برای مطالعه در خانه یا گروه (کلیسا / مدرسه) تدارک دیده شده در پی یک ریز دروس برنامه ریزی شده که به دانش آموزان اجازه می دهد که مطالعات خود را قریب به ۲۰ سال ادامه دهند. پنج سطح از دروس برابر گروههای سنی خاص موجود است از جمله پیش دبستانی، گروه سنی ۵ - ۷ سال، ۸ - ۱۰ سال، ۱۴ - ۱۶ سال.

اگر بطور دلخواه کتابچه استفاده شود در پایان هر گزیده کتابچه ها جمع آوری و ارزشیابی می شود. ما متوجه شده ایم که در بسیاری از مواقع چنین شیوه ای غیر ممکن است. از این رو در کلاسهای درس این روس می تواند بین دانش آموزان توزیع شده و معلم و یا راهنما به تدریس می پردازند و دانش آموزان دروس دوستان خود را ارزشیابی و نمره گذاری می کنند. در آخر و پشت کتاب جایی برای نمره گذاری برای هر ماه درس تعبیه شده که میتواند جدا شده و با درج درصد نمره ای که دانش آموز برای دروس شش ماهه اخذ کرده به او ارائه شود.

آماده سازی و تدارک برای معلمان

ما نمیخواهیم شیوه تدریس را به شما تجویز کنیم و جایی برای معلمان نگذاریم تا نتوانند شیوه خود را با ایده ها و ابتکارات خود تطبیق دهند. این مطالب پیشنهاداتی هستند که میتوانند برای مرجع وقت کتاب مقدس مورد استفاده قرار گیرند:

- **با داستان خود را آشنا کنید** - معلمان باید تا جای ممکن خود را با داستان کتاب مقدس و همچنین با درس وقت کتاب مقدس که ضمیمه و همراه آن است آشنا کنند. بطور مطلوب، درس وقت کتاب مقدس می تواند توسط معلم قبل از درس تکمیل شود. راهنماها و دستورالعمل ها برای هر درس نیز باید بعنوان برنامه ریزی کمکی برای دروس بدقت مورد توجه و بررسی قرار گیرند.
- **دروس باید فهمیده شده تا فرا گرفته شوند** - در بالای هر برنامه درسی لغاتی را ملاحظه خواهید کرد "ما یاد می گیریم که"، ادامه خواهد یافت با دو هدف یاد بگیرید که امیدواریم کودکان پس از شنیدن به گفتار معلم آنرا فهمیده و درس وقت کتاب مقدس را تکمیل کنند. اولین هدف یاد بگیرید به دانش در باره داستان مربوط است در حالیکه دومین هدف تشویق کودکان به تفکر در باره دانش، بکار بردن آن و واکنش نشان دادن به آن است. این هدفهای فراگیری بیان دقیقی از مفاهیم / حقیقت اصلی است که در درس تعلیم داده شده و معلمان می توانند آنها را برای ارزیابی شخصی آموزش دادن و یاد بگیرید که رخ داده بکار گیرند.
- **معرفی کنید** - همه دروس را با تجربه ای که کودکان در موقعیت خود دارند، آغاز می کنیم. ما شیوه های گوناگونی را پیشنهاد کرده ایم که می تواند برای معرفی داستان استفاده شود تا بچه ها قادر به فعالیت درون گروهی شده و نکته آغازین داستان را مورد بحث و گفتگو قرار دهند
- **تعلیم بدهید** - نقاط کلیدی داستان داده شده است. امید داریم که مجبور نباشند تا به اینها اشاره کنند زمانیکه در واقع داستان را نقل می کنند بلکه با داستان آشنا شده و بتوانند آنرا به شیوه ای جالب و الهام گزیده تعلیم بدهند. معلم از دانش آموز انتظار خواهد داشت تا دروس اصلی را از داستان درک کرده و به آنان کمک کرده تا واکنش آنان را از فراگیری داستان بفهمد. بطور مقتضی تلاش کرده ایم تا برخی توضیحات را در داستان گویی با هم بیامیزیم. این مطالب همیشه بصورت **ایتالیک** آورده شده است.
- **فرا بگیرید** - در هریک از داستان ها آیه کلیدی ضمیمه شده است. در برخی مواقع دو آیه کلیدی آورده شده است، از اینرو آیه کلیدی دیگری اضافه شده است تا برای فراگیری کودکان آسان تر باشد. امیدواریم که کودکان بتوانند آیه های کلیدی را فرا گرفته و تا جای ممکن به آنان یادآوری شده تا اینکه شروع به ایجاد دانش آیات کلیدی کتاب مقدس بنمایند.
- **آنرا کامل کنید** - در وضعیت مدرسه از توانایی های کودکان برای تکمیل پرسشنامه و میزان پشتیبانی مورد نیاز معلم آگاه خواهید شد. برای برخی، الزامی خواهد بود که معلم از روی متن درس را بخواند در حالی که بچه ها آنرا همچون روایت که یک راوی نقل می کند دنبال کنند.

کودکان دیگر ممکن است قادر باشند تا متن را بطور مستقل بخوانند. در هر مورد، ایده ای می تواند توجه بچه ها را به آموزه ای خاص در ارتباط با سوالها جلب نماید. اگر شما درس وقت کتاب مقدس را در محیطی خارج از مدرسه بکار ببرید، اهمیت دارد تا با حضور خود کمک کنیم تا درس بعنوان کار سخت یا آزمون گمان نشود. شیوه تدریس باید لذت گزیده و ترغیب کننده و ستودنی باشد در حالیکه کار بر روی تکالیف مهم می باشد.

- **آنرا بخاطر بسپارید** - چنین پیشنهاد کرده ایم تا هر قدر که ممکن باشد، آزمونهای کوچک یا کارهای کمکی به منظور فراگیری بعنوان ابزارهایی باشد که گویی داستان با آن بازنگری می شود.
- **آنرا نشان بدهید** - از شما سپاسگزار خواهیم بود که در برخی موارد از ابزارهای رسانه ای تصویری استفاده شود گرچه بدست آوردن رسانه های تصویری مشکل است ولی هرجایی که ممکن است اهمیت دارد تا با تمرکز بر تصاویر یا اشیاء برای کمک به درک داستان استفاده شود. تصاویر کمک آموزشی برای نقل داستان ها کمک بزرگی می تواند باشد. هر کجا که مناسب و مقتضی باشد در هر درس در باره عکسها از طریق وبسایت زیر اطلاعاتی داده شده است که تصاویر قابل دانلود می باشد: www.freebibleimages.org
- در جایی که ماشین فتوکپی موجود باشد بعضی از عکسهای وقت کتاب مقدس می تواند بزرگ شود، رنگی شود و برای آموزش مورد استفاده قرار گیرد.

آموزش آیه کلیدی

- ۱) آیه می تواند روی یک برگه نوشته شود یا بر روی تخته کلاس با لغات مختلف و بعد لغات آیه یک به یک پاک شود تا بچه ها با تکرار لغات تمام آیه را فرا بگیرند و دانش آموزان بتوانند بدون اینکه لغات روبروی آنان باشد آنرا تکرار کنند.
- ۲) برای معرفی آیه کلیدی میتوانید از موارد زیر بهره گیری کنید:
الف - شیوه برنده بازنده - به تعداد حروف لغات خط فاصله کشیده شود و بچه ها حرفی را بگویند و اگر درست باشد روی خط فاصله بنویسند و اگر غلط باشد امتیاز منفی بگیرند و باید این کار تکرار شود تا گروهی بتواند آیه درست را حدس بزند. اگر تعداد منفی ها از دو برابر تعداد حروف بیشتر باشد آن گروه بازنده می شود.
ب - معلم اسم کتاب و شماره فصل و آیه را بگوید. بعد بچه ها در حالیکه کتاب مقدس بسته را در دست دارند آدرس آیه را تکرار کنند. بعد معلم بگوید حاضرید ... یک، دو، سه ... و هر کس که زودتر بتواند آیه را از کتاب مقدس پیدا کرده و نزد معلم بیاورد برنده است.

برنامه ریزی برای زمان

- **نظم و انتظام** - ما نظم مشابهی را در دستورالعملهای تعلیم هر درس حفظ کرده ایم ولی این بستگی به معلم دارد که آنرا گاه و بیگاه تغییر بدهد.
 ۱. مقدمه و گفتن داستان - تقریباً ۱۵ دقیقه
 ۲. آموزش آیه کلیدی - ۵ - ۱۰ دقیقه
 ۳. کامل کردن برگه تکلیف - ۲۰ دقیقه
 ۴. آزمون کوتاه و فعالیتهای دیگر ۵ - ۱۰ دقیقه

این گفتار مهم را بخاطر بسپارید:

بمن بگو و ممکن است فراموش کنم
بمن نشان بده و آنرا بیاد خواهم سپرد
مرا درگیر کار کن و من خواهم فهمید.

سر فصل دروس وقت کتاب مقدس

سطح ۴ (سنین ۱۴ به بالا)	سطح ۳ (سنین ۱۱-۱۳)	سطح ۰ (پیش دبستانی) سطح ۱ (سنین ۵-۷) سطح ۲ (سنین ۸-۱۰)	
<p>۱- معرفی درس مبتدی</p> <p>۲- U1 - انجیل لوقا</p> <p>۳- U2 - انجیل لوقا</p> <p>۴- U3 - انجیل لوقا</p>	<p>۱- معرفی درس مبتدی</p> <p>۲- U1 - انجیل لوقا</p> <p>۳- U2 - انجیل لوقا</p> <p>۴- U3 - انجیل لوقا</p>	<p>۱- معرفی درس مبتدی</p> <p>۲- U1 - انجیل لوقا</p> <p>۳- U2 - انجیل لوقا</p> <p>۴- U3 - انجیل لوقا</p>	سری مبتدی
<p>۱- آفرینش و سقوط</p> <p>۲- رشد اولیه - پیدایش</p> <p>۳- پطرس</p> <p>۴- پطرس - صلیب</p> <p>۵- پطرس</p> <p>۶- ابراهیم</p> <p>۷- یعقوب</p> <p>۸- زندگی مسیحی</p> <p>۹- پولس</p> <p>۱۰- پولس</p> <p>۱۱- پولس</p> <p>۱۲- داستان کریسمس</p>	<p>۱- آفرینش</p> <p>۲- نوح</p> <p>۳- پطرس</p> <p>۴- پطرس - صلیب</p> <p>۵- پطرس</p> <p>۶- ابراهیم</p> <p>۷- یعقوب</p> <p>۸- دعا</p> <p>۹- پولس</p> <p>۱۰- پولس</p> <p>۱۱- پولس</p> <p>۱۲- داستان کریسمس</p>	<p>۱- آفرینش</p> <p>۲- نوح</p> <p>۳- پطرس</p> <p>۴- پطرس - صلیب</p> <p>۵- ابراهیم</p> <p>۶- ابراهیم</p> <p>۷- پطرس</p> <p>۸- پطرس</p> <p>۹- یعقوب</p> <p>۱۰- مسیحیان اولیه</p> <p>۱۱- پولس</p> <p>۱۲- داستان کریسمس</p>	سری A
<p>۱- تمثیل ها</p> <p>۲- معجزات</p> <p>۳- بیت عنیا</p> <p>۴- صلیب</p> <p>۵- مسیحیان اولیه</p> <p>۶- یعقوب و خانواده اش</p> <p>۷- یوسف</p> <p>۸- اعمال رسولان ۲: ۴۲ - راه پیش رو</p> <p>۹- موسی</p> <p>۱۰- موسی</p> <p>۱۱- شریعت</p> <p>۱۲- داستان کریسمس</p>	<p>۱- تمثیل ها</p> <p>۲- معجزات</p> <p>۳- بیت عنیا</p> <p>۴- صلیب</p> <p>۵- مسیحیان اولیه</p> <p>۶- یوسف</p> <p>۷- یوسف</p> <p>۸- نویسندگان انجیل</p> <p>۹- موسی</p> <p>۱۰- موسی</p> <p>۱۱- موسی</p> <p>۱۲- داستان کریسمس</p>	<p>۱- اوایل زندگی مسیح</p> <p>۲- معجزات</p> <p>۳- بیت عنیا</p> <p>۴- صلیب</p> <p>۵- تمثیل ها</p> <p>۶- یوسف</p> <p>۷- یوسف</p> <p>۸- مردمی که عیسی ملاقات کرد</p> <p>۹- موسی</p> <p>۱۰- موسی</p> <p>۱۱- موسی</p> <p>۱۲- داستان کریسمس</p>	سری B
<p>۱- دانیال</p> <p>۲- گفتار عیسی</p> <p>۳- قدرت خدا</p> <p>۴- مرگ مسیح</p> <p>۵- روت</p> <p>۶- سموئیل</p> <p>۷- داود</p> <p>۸- یوشع</p> <p>۹- ایلیا (الیاس)</p> <p>۱۰- الیشع</p> <p>۱۱- شخصیت‌های بیشتر در عهد عتیق</p> <p>۱۲- داستان کریسمس</p>	<p>۱- دانیال</p> <p>۲- مردمی که عیسی ملاقات کرد</p> <p>۳- معجزات بیشتر</p> <p>۴- مرگ مسیح</p> <p>۵- روت</p> <p>۶- سموئیل</p> <p>۷- داود</p> <p>۸- یوشع</p> <p>۹- ایلیا (الیاس)</p> <p>۱۰- الیشع</p> <p>۱۱- مردانی که خدا در عهد عتیق بکار گرفت</p> <p>۱۲- داستان کریسمس</p>	<p>۱- دانیال</p> <p>۲- معجزات بیشتر</p> <p>۳- مردمی که عیسی ملاقات کرد</p> <p>۴- مرگ مسیح</p> <p>۵- روت و سموئیل</p> <p>۶- داود</p> <p>۷- داود</p> <p>۸- یوشع</p> <p>۹- ایلیا (الیاس)</p> <p>۱۰- الیشع</p> <p>۱۱- یونس</p> <p>۱۲- داستان کریسمس</p>	سری C

1 داستان

دانیال - سرزمین غریب - این داستان: خشنود کردن خدا با گفتن «نه» به آنچه غلط می باشد.

می آموزیم که:

- خداوند به دانیال و دوستانش پاداش داد زیرا نسبت به او وفادار بودند.
- ما باید نسبت به خدا وفادار باشیم حتی اگر در مواردی با مشکل روبرو شویم.

آیه کلیدی: دانیال ۱: ۲۰

آیات کتاب مقدس: دانیال ۱: ۱ - ۲۱

معرفی کنید

کلاس یکی در حال نوشتن امتحان بودند. سوالات پیچیده بودند. معلم بچه ها را طوری نشانده بودند که نتوانند از روی دست هم ببینند. ولی یکی همچنان می توانست برگه مگان را ببیند که چه می نویسد. مگان همیشه جواب های درست به سوالات می داد. یکی فکر کرد که برای این یکبار از روی دست مگان بنویسد و معلم نخواهد فهمید. بعد به خیال خودش می توانست نمره خوبی بگیرد و مادرش را خوشحال کند. ولی آیا خدا هم خوشحال خواهد شد؟ یکی می دانست که نباید از روی دست کسی تقلب کند. او بیاد آورد که یکی از احکام خدا این بود که دزدی نکنید. پس در عوض تقلب کردن، خوب فکر کرد تا بتواند به سوالات مشکل جواب بدهد. بعداً یکی فهمید که جوابهایش درست بوده است. انجام کار درست بهترین کار است. در درس امروز دانیال و دوستانش مجبور بودند تا بین انجام کار درست که خدا را خشنود می سازد یا زندگی ساده تر برای خودشان یکی را انتخاب کنند.

- دانیال و سه دوستش عبرانی بودند (قوم برگزیده خدا) و در اورشلیم زندگی می کردند. یک روز دشمنی که پادشاه آن نبوکدنصر بود به شهر حمله و آنها را به همراه افرادی دیگر به اسارت گرفت. آنان به مکانی دورتر به بابل برده شدند که به مدرسه مخصوصی رفته تا زبان و فرهنگ جدید را یاد بگیرند. از بچه ها بخواهید تا تصور کنند و خودشان را بجای آنها بگذارند که چه حالتی برای آنان خواهد داشت. (دانیال ۱: ۱ - ۴).
- به دانیال و دوستانش نام های بابلی جدیدی داده شد (به سطح ۲ مراجعه کنید) و برای آنها از کاخ پادشاه غذا تدارک دیده شد. او از آنان می خواست به اندازه کافی قوت بیابند تا بتوانند به خوبی در کاخ او خدمت کنند. نبوکدنصر پادشاه از دانیال و دوستانش خواست تا همه چیز را درباره کشور و خدای واقعی که می پرستیدند فراموش کنند. (دانیال ۱: ۵ - ۷)
- بحث و گفتگو کنید که چرا این کار خوبی نبود.

تعلیم دهید

- دانیال و دوستانش خدا را دوست داشتند و می خواستند تا او را اطاعت کنند حتی اگر در سرزمینی غریبی باشند که مردم از خدایان دیگر پیروی می کردند. آنان می دانستند که نباید غذای پادشاه را بخورند زیرا به خدایان غلط پیشکش شده بودند. آنها چه باید می کردند؟ آنان تصمیم گرفتند که نباید غذای پادشاه را بخورند حتی اگر پادشاه خشمگین شود. بحث کنید که وفادار بودن نسبت به خدا به چه معنایی است. ما همیشه باید خواسته خدا را انجام دهیم حتی زمانی که مشکل بنظر برسد و دیگران از ما بخواهند تا کاری متفاوت انجام دهیم.
 - وقتی به مشاوران پادشاه گفتند که چه برنامه ای دارند، مشاوران نگران شدند!
 - اگر دانیال و دوستانش به اندازه کافی قوی و سالم بنظر می رسیدند و دیگران در مدرسه پادشاه بهتر از آنان بنظر می رسیدند چه؟ (دانیال ۱: ۸ - ۱۰) دانیال به خدا اعتماد داشت که می تواند از او مراقبت کند.
 - او از مشاوران پادشاه خواست تا برای مدت ده روز فقط به آنها غذاهای گیاهی و آب بدهد. وقتی زمان سپری شد مشاوران پادشاه از دیدن اینکه دانیال و دوستانش سالمتر و قوی تر از مردانی بودند که غذای پادشاه را می خوردند شگفت زده شدند! (دانیال ۱: ۱۱ - ۱۵) بنظر شما چرا؟
 - از آن روز به بعد به دانیال و دوستانش غذاهای گیاهی و آب داده شد. خدا با دانیال و دوستانش بود و آنان را برای وفادار بودن نسبت به او برکت داد. او به آنان حکمت بخشید و به دانیال کمک کرد تا رویاها را توضیح بدهد. (دانیال ۱: ۱۶ - ۱۷) توضیح بدهید که دانیال و دوستانش نه تنها رژیم غذایی خیلی سالمی داشتند بلکه خدا با آنها بود.
 - پس از گذشت سه سال، این جوانان نزد پادشاه آورده شدند. پادشاه در میان تمامی جوانان دانیال و دوستانش را بهتر از همه یافت. او متوجه شد که آنها ده برابر بهتر از مشاورانی بودند که از آنان برخوردار بود. تاکید کنید که آنها خدا را در اولویت قرار دادند در عوض اینکه احتمالاً مورد مجازات و تنبیه نافرمانی از پادشاه قرار گیرند. (دانیال ۱: ۱۸ - ۲۱).
 - مسیحیان ایمان دارند که «بله» گفتن به راه خدا و وفادار بودن به او مهم است.
- درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.
- نشان بدهید: لینک FBI در ضمیمه را ببینید - دانیال: سرزمین غریبه.

یاد بگیرید

آیه کلیدی را تعلیم داده و در جایی که ضرورت دارد توضیح دهید که بخشی از داستان است - دانیال ۱: ۲۰. بچه های سطح ۱ می توانند بخش دوم دیگر آیه را یاد بگیرند.

بخاطر بسپارید

- سطح ۱ - کلاس می تواند یک کلاژ غذای گیاهی درست کند و آن را با برنامه غذایی سالم مرتبط سازد. از کاغذها و پارچه های رنگی استفاده کنید.
- سطح ۲ - کار گروهی: بچه ها باید تلاش کنند تا داستان را به نمایش در آورند. برای سکانس های مختلف و چیزهای مورد نیاز به آنان کمک کنید.

C1 داستان ۲

بت نبوکدنصر - این داستان: دوستان دانیال به آنچه غلط می باشد «نه» می گویند.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• شدرك، ميشك و عبدنغو به خدا اعتماد داشتند و از او اطاعت ميكردند.• ما می توانیم در هر سختی به خدا اعتماد و توکل کنیم. <p>آیه کلیدی: دانیال ۳: ۱۷</p> <p>آیات کتاب مقدس: دانیال ۲: ۴۸ و ۴۹ و ۳: ۱ - ۳۰</p>	
<p>نبوکدنصر به پرستش خدای واحد اعتقاد نداشت. او بت ها و خدایان سنگی یا فلزی را می پرستید ولی این ها بی ارزش بودند زیرا نه هیچ کاری می توانستند انجام دهند و نه می توانستند به کسی کمک کنند. دانیال و سه دوست او می دانستند که پرستش بتها غلط می باشد زیرا خدا در فرمان دوم چنین گفته است - خروج ۲۰: ۴</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• سه دوست دانیال، شدرك، ميشك و عبدنغو عبرانیانی بودند که به خدای یکتا و واقعی اعتقاد داشتند و خواستار اطاعت از او بودند. (وقایع داستان ۱ را به بچه ها یادآوری کنید). آنها بت پرست نبودند. خدا به آنها کمک کرد تا مردان بسیار مهمی در بابل بشوند. (دانیال ۲: ۴۸ - ۴۹)• نبوکدنصر پادشاه بتی پلائی ساخت. ۲۷ متر ارتفاع و ۲ متر و هفتاد سانتی متر پهنا داشت. (معادل ۲۷ ماشین که روی هم گذاشته شده باشند). او به همه درباریان در پادشاهی خود از جمله شدرك، ميشك و عبدنغو دستور داد تا در مراسم خاصی شرکت کنند. پادشاه دستور داد که وقتی نوازندگان شروع به نواختن کردند هر کسی باید سجده کرده و بت طلایی را پرستش کنند. هر کسی که سجده نمی کرد به کوره آتش افکنده می شد. توضیح بدهید که کوره آتش چیست. (دانیال ۳: ۱ - ۶)• وقتی که موسیقی نواخته شد، مردم سجده کرده و بت را پرستیدند. همه بجز ميشك، شدرك و عبدنغو. چرا؟ آنان کلام خدا را می دانستند که نباید از خدا نافرمانی کنند حتی اگر به کوره آتش انداخته شوند. (دانیال ۳: ۷)• برخی از مشاوران پادشاه به او گفتند که دوستان دانیال از پرستش بت امتناع کرده اند. او خشمگین شد! او به آنان گفت که باید سجده کرده و بت او را بپرستند یا اینکه به کوره آتش انداخته می شوند. او به آنان گفت که هیچ خدایی به اندازه کافی قدرتمند نیست تا بتواند آنان را نجات بدهد. (دانیال ۳: ۸ - ۱۵). از بچه ها بپرسید که فکر می کنند که چه کسی به اندازه کافی قدرت داشت تا آنان را نجات دهد.• آن سه نفر جواب داده گفتند، «اگر به کوره آتش انداخته شوند، خدای ما که او را خدمت می کنیم قادر است تا ما را نجات دهد» (آیه کلیدی). نبوکدنصر پادشاه دستور داد تا کوره آتش هفت مرتبه داغ تر شود. آن سه مرد به کوره آتش انداخته شدند. (دانیال ۳: ۱۶ - ۲۳)• آنگاه پادشاه از روی تعجب از جا پرید! او دستور داده بود تا سه مرد به کوره آتش انداخته شوند ولی او می توانست ۴ نفر را ببیند! آنان بدون اینکه صدمه ای دیده باشند به اطراف راه می رفتند. بنظر او چنین آمد که آن مرد «پسر خدا باشد» (دانیال ۳: ۲۴ - ۲۵).• نبوکدنصر پادشاه به آنان دستور داد تا از آتش بیرون بیایند. مردان به هیچ وجه آسیب ندیده بودند. نبوکدنصر خدا را شکر کرد و گفت که خدا آنان را نجات داده بخاطر اینکه به او اعتماد کرده و از او اطاعت کرده اند. او می دانست که هیچ خدای دیگری نمی توانست مردم خود را به این طریق نجات دهد. او به هر سه مقامی عالی در پادشاهی عطا کرد. (دانیال ۳: ۲۶ - ۳۰)• توضیح بدهید که خدا از ما می خواهد تا کاملاً به او اعتماد و از او اطاعت کنیم. این بدین معنی است که ما باید کلام خدا را بدانیم و فرمان های او را درک کنیم. او وعده داده است که او همیشه با ما خواهد بود حتی در زمان های خطر. او قادر است تا ما را نجات دهد! اشعیا ۴۳: ۲ را بخوانید. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان بدهید: لینک FBI را از ضمیمه ببینید - بت نبوکدنصر.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی را در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح دهید که بخشی از داستان است - دانیال ۳: ۱۷. - بر «خدایی که خدمت می کنیم ما را نجات خواهد داد» متمرکز شوید.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>این سوالات را برای آزمون کوتاه بکار ببرید:</p> <ul style="list-style-type: none">• نام های داده شده به این سه مرد در داستان چه بود؟• نام پادشاه چه بود؟• نبوکدنصر پادشاه چه ساخته بود؟• چطور می دانیم که خدا از آن بت خیلی ناخشنود بود؟• آن سه مرد اطاعت از خدا را انتخاب کرده بودند؟ اطاعت یعنی چه؟• پادشاه وقتی که دید که آنها بدون آسیب محافظت شده اند چه کرد؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

CI داستان ۳

دانیال - پنجره باز - این داستان: صداقت دانیال و او چگونه خدا را عبادت می کرد.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• حسادت دشمنان دانیال بی مورد بود.• اگر خدا را مانند دانیال دوست داشته باشیم، صادق و درستکار خواهیم بود. <p>آیه کلیدی: دانیال ۶: ۱۶</p> <p>آیات کتاب مقدس: دانیال ۶: ۱ - ۱۶</p>	
<p>سطح ۱ - درباره سر و صداهایی که حیوانات مختلف از خود در می آورند صحبت کنید. نمایشی ترتیب دهید که یکی از بچه ها صدای حیوان در بیاورد و دیگران حدس بزنند که چه حیوانی است. در نهایت بر صدای شیر تمرکز کنید. به بچه ها اجازه بدهید تا با صدای بلند غرش شیر را تقلید کنند که داستان امروز در این باره است، هاهah</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• بابل پادشاه جدیدی بنام داریوش داشت. در بابل سه مشاور اعظم وجود داشت و دانیال یکی از آنان بود! دانیال سخت کار می کرد و کار خود را به خوبی انجام می داد. داریوش پادشاه می خواست تا او را به سرپرستی مشاوران اعظم دیگر قرار دهد. (دانیال ۶: ۱ - ۳).• وقتی مردان دیگر این موضوع را شنیدند به دانیال حسادت کردند. آنها نمی خواستند که تحت فرمان دانیال باشند و تلاش کردند تا بهانه ای پیدا کنند تا دانیال را در نزد پادشاه بد جلوه بدهند تا نظر او را تغییر داده و چنین مقام مهمی به او ندهد. برای مثال بیابند که دانیال به پادشاه دروغ گفته باشد یا از او دزدی کرده باشد. آنان برای مدت ها فکر کردند تا توطئه ای بچینند ولی هیچ چیزی بر علیه دانیال نیافتند تا به داریوش پادشاه بگویند. آنان می دانستند که دانیال فردی صادق و قابل اعتماد می باشد. (دانیال ۶: ۴). وقتی فردی قابل اعتماد است به این معنی است که دیگران می توانند به او برای هر چه که می گوید یا انجام می دهد اعتماد داشته و تکیه کنند. توضیح بدهید که این شیوه ای است که خدا می خواهد تا پیروانش اینگونه باشند.• دشمنان دانیال مجبور بودند که دسیسه کنند تا دانیال را بد جلوه بدهند. آنان می دانستند که او اغلب نزد خدا دعا می کند. آنان تصمیم گرفتند تا برای دانیال تله ای بگذارند. آنان به نزد پادشاه رفته و از او خواستند تا فرمانی جدید صادر کند که برای مدت سی روز هر کسی باید تنها پادشاه را پرستش کند. اگر کسی چیز دیگری را می پرستید باید به چاه شیران افکنده می شد. پادشاه موافقت کرد و حکم جدید را امضا کرد. (دانیال ۶: ۵ - ۹)• دانیال دستور تازه را شنید. او می دانست که این یک تله است و باید به خدا اعتماد و توکل کند تا از او مراقبت کند. دعا برای او بسیار مهم بود و حتی با اینکه می دانست که خطرناک است، او به اتاق خود رفت و روزی سه بار دعا می کرد درست مانند همیشه. زمانی را بگذارید و بحث کنید که دعا چیست و اهمیت آن برای مسیحیان چه می باشد. دانیال در حینی که دعا می کرد توسط دشمنانش دیده شد. آنان رفته و به پادشاه گفتند که دانیال چه می کرد. (دانیال ۶: ۱۰ - ۱۳)• پادشاه خیلی ناراحت شد! او نمی خواست تا دانیال را به چاه شیران بیندازد ولی فرمان او تغییر ناپذیر بود. او نمی توانست به دانیال کمک کند. پادشاه فرمان داد که دانیال باید به چاه شیران انداخته شود. او به دانیال گفت که خدایی که می پرستی ترا نجات دهد. (دانیال ۶: ۱۴ - ۱۶) با بچه ها گفتگو کنید که آنها فکر می کنند که بعداً چه اتفاقی افتاد. چه کسی می توانست دانیال را نجات دهد؟ <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان دهید: لینک FBI از ضمیمه را ببینید - دانیال: پنجره باز</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>کلام پادشاه را از آیه کلیدی تعلیم و توضیح دهید که بخشی از داستان است - دانیال ۶: ۱۶.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>کلمات زیر را بر روی تخته یا روی برگه ای بنویسید. از بچه ها بخواهید تا صفات خوب را از بد جدا کنند.</p> <p>درستکار حسود سختکوش قابل اعتماد طمع به چیزهای دیگران</p> <p>چغلی کردن نفرت قابل اتکا عابد حقیقتگو</p> <p>به بچه ها یادآوری کنید که وقتی خدا را خشنود سازند او می تواند چه کارهای بزرگی برای آنان انجام دهد.</p>	<p>بخاطر بسپارید</p>

C1 داستان ۴

دانیال - در چاه شیران - این داستان: ثابت کردن اینکه خدا وفادار است.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• دانیال با وفاداری خدا را خدمت می کرد.• خدا خدایی است که نجات می دهد و رهایی می بخشد. <p>آیه کلیدی: دانیال ۶: ۲۲</p> <p>آیات کتاب مقدس: دانیال ۶: ۱۷ - ۲۸</p>	
<p>از بچه ها بخواهید تا بطور زوجی درباره داستان قبل گفتگو کنند. آیا آنان می توانند جواب هایی برای داستان های زیر بیابند؟</p> <p>آیا دانیال کارش را خوب انجام می داد؟ داریوش پادشاه می خواست که کاری برای دانیال انجام دهد؟ چرا دشمنان دانیال به او حسادت کردند؟ چرا دانیال به چاه شیران انداخته شد؟ آیا واقعاً داریوش پادشاه می خواست تا دانیال به چاه شیران انداخته شود؟</p> <p>از بچه ها بخواهید که جواب درست را به شما بدهند. آنگاه با بچه ها بحث کنید که به نظر آنها بعدا چه اتفاقی می افتد. به بچه ها یادآوری کنید که دانیال به خدا اعتماد داشت حتی در این وضعیت خطرناک. آیا آنان می توانند نمونه های مشابهی را از داستان ۱ و ۲ بیاد بیاورند؟</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• دانیال به چاه شیران انداخته شد. پادشاه به او گفت، «خدایی که بطور دائم می پرستی ترا نجات دهد». سنگی بر دهانه چاه شیران گذاشته شد و مهر و موم شد. پادشاه با کاخ خود بازگشت. او هیچ چیز نخورد و نتوانست بخوابد. او به خدمتگزار وفادار و قابل اعتماد خود دانیال می اندیشید. (دانیال ۶: ۱۶ - ۱۸)• صبح زود روز بعد پادشاه برخاسته و به چاه شیران رفت. او دانیال را صدا زد و از او پرسید که آیا خدای او قادر بوده تا او را از شیران نجات دهد. پادشاه از شنیدن صدای دانیال از خوشی به وجد آمد. دانیال جواب داد و گفت که خدای او فرشته ای را فرستاد تا دهان شیران را ببندد پس آنها نتوانستند به او آسیبی برسانند. خدا می دانست که دانیال کار خطایی مرتکب نشده و از او محافظت کرد. بحث کنید که الان پادشاه چه حسی داشت. داریوش پادشاه دستور داد تا دانیال را از چاه بیرون بیاورند. او دستور داد تا مردان شیری که دانیال را متهم کرده بودند در عوض به چاه شیران انداخته شوند. (دانیال ۶: ۱۹ - ۲۴)• داریوش پادشاه برای تمامی ساکنین قلمرو پادشاهی خود دستوری صادر کرد. او دستور داد تا به خدای زنده اعتماد کنند و به آنان گفت که خدا چگونه دانیال را از شیران نجات داده است. او به آنان گفت که خدا، خدایی است که رهایی می بخشد و نجات می دهد. (دانیال ۶: ۲۵ - ۲۸).• خدا می تواند ما را از مجازات گناهانی که سزاوارش هستیم نجات دهد. عیسی مسیح بر روی صلیب مُرد و مجازات گناهان ما را متحمل شد. اگر ایمان داشته باشیم که او برای ما مُرد، خدا ما را خواهد بخشید و به ما حیات ابدی خواهد بخشید. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان بدهید: لینک FBI را از ضمیمه ببینید - دانیال در چاه شیران.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>از آیه کلیدی استفاده کرده تا داستان را تقویت کنید و اولین بخش آن را حفظ کنید - دانیال ۶: ۲۲</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سطح ۲ - معلم یا یکی از بچه ها می تواند نقش دانیال را بازی کند. بچه ها از دانیال درباره آنچه که اتفاق افتاد و حس او سوالاتی را بپرسند.</p> <p>سطح ۱ - بچه ها می توانند سرودی را درباره دانیال بنویسند. دانیال مرد دعا بود. (می توانید در این باره بطور آنلاین بیابید).</p>	<p>بخاطر بسپارید</p>

C2 داستان ۱

مرد نابینا، می تواند ببیند - این داستان: عیسی مردی را بینا می کند.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی خداست و می تواند کارهای شگفت انگیزی انجام دهد.• عیسی وقتی که صدا می زنی صدای ما را می شنود. <p>آیه کلیدی: لوقا ۱۸: ۴۳</p> <p>آیات کتاب مقدس: لوقا ۱۸: ۳۵ - ۴۳</p>	
<p>از بچه ها بپرسید تا چشمان خود را ببندند و تصور کنند که نمی توانند ببینند. چه حسی خواهند داشت؟ به بچه ها بگوئید که در ایام عیسی برای کسی که نابینا بود هیچ کمکی نمی توانست انجام شود و گدائی تنها شانس زنده ماندن آنها بود. هیچکس به نابینایان اعتنا نمی کرد. با این حال در داستان امروز می شنویم که عیسی برای مردی نابینا اهمیت قائل شد.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• عیسی به همراه حواریون خود به اورشلیم سفر می کرد. (سطح ۲- می توانید شرح دهید که او می رفت تا کار پدر خویش را که به او سپرده شده بود با مردن بر روی صلیب تمام کند).• در سفر به شهری رسیدند که اریحا نامیده می شد.• در این باره صحبت کنید که وقتی فردی مهم از راه می رسد مردم جمع می شدند.• جمعیت گرد هم آمده بودند تا وقتی به اریحا رسید او را ببینند. آنان چرا می خواستند عیسی را ببینند؟• در کناره راه مردی نابینا نشسته بود که در مکان معمولی خود گدایی می کرد. ولی امروز او می دانست که اتفاق خواهد افتاد! از بچه ها بخواهید تا با هم گفتگو کرده و بیابند که در آن آمد و شد، با آن سر و صدا و هیجان، او چگونه از فردی پرسید و به او گفته شد که عیسی ناصری در حال عبور است. (لوقا ۱۸: ۳۵ - ۳۷).• هیجان آن مرد را شرح بدهید و اینکه چطور او نتوانست ساکت بماند وقتی که شنید عیسی در حال عبور است. او نمی توانست عیسی را ببیند، ولی می توانست او را با صدای بلند صدا بزند! بگوئید که او چگونه توانست فریاد بزند «عیسی، پسر داود بر من ترحم کن». این نشان می داد که او متوجه شده بود که عیسی چه کسی است و توسط خدا فرستاده شده و همچنین اینکه او می دانست که عیسی می تواند به شیوه ای که هیچ کس دیگری نمی توانست به او کمک کند. (لوقا ۱۸: ۳۸)• برخی از مردم سعی کردند تا او را ساکت کنند. از بچه ها بخواهید تا بیابند که چرا. به همه وقتی بدهید تا درباره عیسی حرف بزنند و اینکه چرا او به هر یک از ما علاقه دارد. آن مرد بسیار مصمم بود و دوباره عیسی را صدا زد. عیسی صدای او را شنید و خواست تا آن مرد را نزد او بیاورند. (لوقا ۱۸: ۳۹ - ۴۰).• آنگاه عیسی با آن مرد گفتگو کرد. آیه ۴۱ را بخوانید. وقتی که مرد گفت که می خواهد تا بینا شود، او نشان می داد که ایمان دارد که عیسی می تواند واقعا این کار را برای او انجام دهد. عیسی خوشحال بود که مرد ایمان دارد و ایمان خود را به او نشان می دهد. نقل کنید که عیسی چگونه قادر بود با گفتن «بینا شو» نابینایی او را علاج کند. کلام عیسی قدرتمند است. هیچ کس دیگری نمی توانست چنین کاری انجام دهد. (لوقا ۱۸: ۴۱ - ۴۲).• از بچه ها بپرسید که مرد توانست چه چیزی ببیند و وقتی که عیسی به او بینایی بخشید چه احساسی داشت. جمعیت چگونه واکنش نشان دادند؟ پاسخ های بچه ها را با خواندن آنچه که کتاب مقدس می گوید تایید کنید. (لوقا ۱۸: ۴۳).• عیسی می خواست تا به مردم کمک کند و به آنان خبر برساند. وقتی در زندگی به راه خود می رویم مثل این است که در تاریکی گام بر می داریم. به بچه ها یادآوری کنید که عیسی نور جهان است و وقتی که ما از او پیروی کنیم، در نور در مسیر درستی گام بر می داریم. (یوحنا ۸: ۱۲). <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان بدهید: لینک FBI را از ضمیمه ببینید - مرد نابینا می بیند.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و شرح بدهید - لوقا ۱۸: ۴۳.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را برای یک آزمون کوتاه استفاده کنید:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی به چه شهری نزدیک می شد؟• چه کسی با عیسی بود؟• چه کسی در بیرون از شهر نشسته بود؟• آن مرد چرا گدایی می کرد؟• آن مرد عیسی را چه خطاب کرد؟• او از عیسی چه خواست؟• وقتی عیسی او را شفا داد چه کرد؟• جمعیت چه کرد؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

C2 داستان ۲

جماعتی اطعام شدند - این داستان: عیسی مردم گرسنه را اطعام می کند.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• تنها عیسی می توانست این جمعیت گرسنه را سیر کند.• عیسی نان حیات است و می تواند به ما حیات جاودان ببخشد. <p>آیه کلیدی: یوحنا ۶: ۳۵</p> <p>آیات کتاب مقدس: یوحنا ۶: ۱ - ۱۴</p>	
<p>سطح ۱ - یک برنامه پیک نیک خیالی را به بچه ها بگویید. چه کسانی در آنجا خواهند بود و چه چیزی خواهید خورد و در کجا خواهی خورد؟</p> <p>سطح ۲ - درباره رفتن به یک سخنرانی خاص، سرودخوانی یا نمایش یا غیره گفتگو کنید. آن شخص ممکن است مشهور باشد ولی پس از مدتی چه حسی خواهید داشت؟ شاید خسته، کسل، گرما زده یا ناراحت. عیسی مسیح به جمعیت و حواریون می خواست نشان بدهد که می تواند به تمامی نیازها رسیدگی کند.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• عیسی می خواست تا با حواریون خود وقت بگذارد و به آنها چیزهای مهمی درباره خدا بگوید. مکانی خلوت را در کوهستان شرح بدهید. ولی حتی در آنجا نیز مردم آمده و آنها را پیدا کردند. از بچه ها بخواهید تا بگویند که چرا مردم بدنبال عیسی می گشتند. طولی نکشید که جمعیتی عظیم گرد آمدند. (یوحنا ۶: ۱-۳)• عیسی درباره اینکه دیگران به آنان می پیوندند چه حسی داشت؟ شرح بدهید که عیسی نمی خواست تا این مردم را برگرداند. آنها برای او مهم بودند و او برای آنها حس ترحم و دلسوزی داشت. (متی ۱۴: ۱۴).• او از فیلیپس که یکی از شاگردانش بود سوالی پرسید «از کجا برای این جماعت نان بخورند». شرح بدهید که عیسی می خواست تا فیلیپس را امتحان کند تا ببیند که آیا او ایمان دارد که عیسی می تواند کمک کند. بچه ها چه پاسخی خواهند داد؟ فیلیپس برای حل این مشکل راهی نمی دید و اشاره کرد که دستمزد نصف سال یک فرد می تواند هزینه خرید نان را تامین کند و آن هم هر فرد می تواند لقمه ای نان بخورد. (یوحنا ۶: ۵-۷)• اندریاس پسر بچه ای را در جمعیت یافت که مقداری غذا داشت و آن را نزد عیسی آورد.• برای بچه های سطح ۱ یک بسته غذایی بیاورید و آن را باز کنید که در آن ۵ قرص نان کوچک و دو ماهی در آن است. اندریاس مانند فیلیپس می دانست که این مقدار غذا اصلاً کافی نبود.• از بچه ها بپرسید که فکر می کنند چه کسی می تواند برای آن جمعیت بزرگ غذا تهیه کند. ادامه دهید و بگوئید که چطور عیسی به نیازهای همه رسیدگی کرد و این نکات را دنبال کنید: (یوحنا ۶: ۸۹)• او به حواریون گفت که از مردم بخواهند تا بنشینند.• او خدا را برای غذا شکر کرد. (یادآوری کنید که برای ما مهم است تا بیاد داشته باشیم که غذای ما از سوی خدا می آید).• او غذا را تقسیم کرد و به مردم داد و هر کس به اندازه کافی خورد.• هیچ چیزی نباید هدر می رفت و ۱۲ سبد غذای مانده جمع آوری شد. (یادآوری کنید که ما هم نباید چیزی را هدر بدهیم)• حیرت انگیز بود که برای هر یک از آن جماعت که بیش از ۵۰۰۰ نفر بودند غذا کافی بود! تلاش کنید تا این عدد را در شرایط زمانی آن زمان برای بچه ها توضیح دهید. مردم شروع به این فکر کردند که عیسی همان مسیح موعود بود که توسط خدا فرستاده شده است زیرا تا بحال چنین معجزه ای ندیده بودند. (یوحنا ۶: ۱۰ - ۱۴)• بعداً عیسی با حواریون خود درباره اتفاقی که افتاده بود صحبت کرد. او به آنان گفت که او «نان حیات» است. عیسی گرسنگی مردم را رفع کرده بود ولی او می تواند بیش از این انجام دهد. او دهنده حیات جاودان است... که به این معنی است که به ما زندگی بسیار بهتری خواهد بخشد که ما را وارد خانواده خدا می کند. (یوحنا ۶: ۳۵). <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان دهید: لینک FBI را از ضمیمه ببینید - جمعیتی اطعام شد.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و شرح دهید - یوحنا ۶: ۳۵</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>از سوالات زیر برای یک آزمون کوتاه استفاده کنید:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی و حواریون وی به کجا رفته بودند؟• چرا این همه جمعیت رفته بودند تا عیسی را ببینند؟• وقتی عیسی به فیلیپس گفت تا نان بخرد او چه گفت؟• آن پسر بچه چه غذایی داشت؟• عیسی چه مقدار از جمعیت را اطعام کرد؟• چند سبد غذای اضافی مانده بود؟• عیسی به حواریون خود گفت که او چه کسی می باشد؟• این عنوان درباره این که عیسی چه چیزی می تواند بدهد چه تعلیم می دهد؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

C2 داستان ۳

مرد علیل راه می رود - این داستان: مردم می فهمند که عیسی به واقع چه کسی می باشد.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی قدرت داشت تا مرد را شفا بدهد تا راه برود ...• تنها عیسی می تواند گناهان ما را ببخشد. <p>آیه کلیدی: یوحنا ۵: ۲۴</p> <p>آیات کتاب مقدس: یوحنا ۵: ۱ - ۱۵</p>	
<p>از بچه ها بخواهید تا تجربه پای شکسته یا صدمه مشابه را به مشارکت بگذارند.</p> <p>در این باره صحبت کنید که وابسته بودن به دیگران در عوض انجام کارها توسط خود فرد چگونه است. از چه کمکی بهره مند شدند؟ برای مثال عصا، صندلی چرخدار.</p> <p>به مرد داستان امروز تفکر کنید که برای ۳۸ سال قادر نبوده تا راه برود و در زمانی زندگی نمی کرده که برای معلولان تدارکاتی دیده شده باشد و شاید دوستی بتواند کمک کند! کلاس می تواند موسسات خیریه ای را پیدا کند و بطور عملی در این کار دخیل بشود. همواره نسبت به مواردی حساس باشید که بچه ها مجبورند در این خصوص با خانواده خود سر و کار داشته باشند.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• عیسی در کنار حوضچه - عیسی برای عیدی مخصوص به اورشلیم رفته بود. (یوحنا ۵: ۱)• حوضچه ای در اورشلیم بود و مردم ایمان داشتند که وقتی آب حوضچه لرزید، اولین فردی که وارد آن بشود، شفا می یابد. بسیاری از نابینایان، لنگان و اقلیجان در اطراف حوضچه بودند.• بحث کنید که این افراد چه حسی داشتند. برای مثال: امیدوار، هیجان زده، مضطرب، نا امید، عاجز عیسی به کنار حوضچه آمد و فهمید که مردی برای مدت ۳۸ سال علیل بوده است. (به بچه ها توضیح بدهید تا بفهمند که آن مرد علیل نمی توانسته راه برود). عیسی پیش او رفت و از او پرسید که آیا دوست دارد سالم شود.• مرد علیل شرح داد که او نمی توانسته به آب برود چرا که کسی نبوده که به او کمک کند. گفتگوی او را در آیات ۷ و ۸ بخوانید. آن مرد کاملا درمانده بود. (یوحنا ۵: ۵ - ۸)• تاکید کنید که عیسی از آن مرد خواست تا کاری را انجام بدهد که برای مدت ۳۸ سال نتوانسته بود! وقتی عیسی به او گفت بلند شو، قدرتی به او داده شد تا راه برود. مرد یکباره شفا یافت، بلافاصله بلند شد، زیر انداز خود را برداشت و راه رفت. (یوحنا ۵: ۸ - ۹).• یهودیان عجیبی کردند - شرح دهید که مرد در روز سبت (شنبه) شفا یافته بود. یهودیان مقررات زیادی داشتند که در این روز نمی توانستند کار کنند. آنان از آن مرد ایراد گرفتند بخاطر اینکه زیر انداز خود را حمل می کند. او گفت مردی که شفایش داده گفته تا چنین کند ولی گفت که نمی داند که آن شخص کیست. (یوحنا ۵: ۱۰ - ۱۲).• عیسی در معبد - (یوحنا ۵: ۱۴ - ۱۵) بعدها، عیسی دوباره مرد را در معبد دید و با او صحبت کرد و به او گفت تا از گناه دست بردارد. توضیح بدهید که گناه کردن چیست - که همه ما بر علیه خدا با افکار و گفتار و کردارمان گناه ورزیده ایم. آن مرد دو نیاز متفاوت داشت: بتواند راه برود و گناهایش بخشیده شود. وقتی جسمش شفا یافته بود بطور مناسب عیسی را نمی شناخت ولی الان به او فرصت داده شده بود تا بیشتر بداند که عیسی کیست و چه کاری توانسته برایش انجام بدهد.• توضیح بدهید که عیسی مسیح تنها کسی است که می تواند گناهان ما را ببخشد. نیاز است تا گناهان ما بخشیده شود و بتوانیم در برابر خدا شایسته گردیده و در زندگی خود او را خدمت کنیم. <p>درس وقت کتاب مقدس را تکمیل کنید.</p> <p>نشان بدهید: از لینک FBI ضمیمه را ببینید - مرد علیل راه می رود.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و توضیح بدهید - یوحنا ۵: ۲۴</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>از سوالات زیر برای آزمون کوتاه استفاده کنید:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی در کدام شهر بود؟• چرا این همه مردم بیمار و آسیب دیده در اطراف حوضچه خوابیده بودند؟• آن مرد چرا برای مدت ها در آنجا بود؟• عیسی از آن مرد خواست تا چکار کند؟• چرا یهودیان از آن مرد ناخشنود بودند؟• عیسی آن مرد را دوباره در کجا دید؟• در این زمان به آن مرد گفت تا چه کاری انجام دهد؟• آن مرد دوباره عیسی چه چیزی را درک نکرده بود؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

C3 داستان ۱

زکا - این داستان: زکا عیسی را به عنوان منجی خود می پذیرد.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• زندگی زکا تغییر کرد وقتی که با عیسی دیدار کرد.• عیسی مسیح می خواهد تا دوست و منجی ما باشد. <p>آیه کلیدی: لوقا ۱۹: ۹</p> <p>آیات کتاب مقدس: لوقا ۱۹: ۱ - ۱۰</p>	
<p>در این باره صحبت کنید که شهر شما چگونه از فردی مهم یا یک قهرمان استقبال کرد. شاید بچه ها بتوانند تجربیات خود را بازگو کنند. بر فضا، سر و صدا و آنچه که دیده می شد تمرکز کنید.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• اهالی اریحا درباره عیسی شنیده بودند. آنها چه شنیده بودند؟ (او مردی شگفت انگیز و شفادهنده است ... به داستان های C۲ برگردید و به آنها بیندیشید.• وقتی عیسی از میان شهر در مسیر خود به سوی اورشلیم می گذشت، تعداد بیشماری از جمعیت به اطراف عیسی آمده تا ببینند که او چه می کند و چه خواهد گفت. یک نفر به نام زکا که مردی ثروتمند و رئیس خراجگیران (جمع آوری مالیات) بود می خواست تا عیسی را ببیند. از بچه ها پرسید که چرا مردم خراجگیران را دوست نداشتند. توضیح بدهید که زکا فردی درستکار نبود زیرا او پول بیشتری از مردم می گرفت و مقداری از آن را برای خودش نگاه می داشت. (لوقا ۱۹: ۱ - ۲)• وقتی زکا آتش کرد تا عیسی را ببیند، با مشکل روبرو شد. او خیلی کوتاه قد بود و نمی توانست از میان جمعیت ببیند. نوک پا ایستادن را به نمایش بگذارید. (لوقا ۱۹: ۳)• زکا ایده ای داشت! او جلوتر از عیسی دوید و به بالای یک درخت افاقیا رفت تا بتواند از آن بالا او را ببیند. ولی وقتی عیسی به زیر درخت رسید به بالا نگاه کرد و زکا را دید. حیرت و شگفتی زکا در هنگامی که عیسی در آنجا متوقف شد را نشان دهید.• به بچه ها بگوئید که عیسی چه گفت. زکا از خوشحالی سر از پا نمی شناخت! او از درخت پائین آمد و عیسی را به خانه خود برد. (لوقا ۱۹: ۴ - ۶)• جمعیت غر می زدند زیرا عیسی به خانه یک گناهکار رفته بود. شرح بدهید که آنها فکر می کردند که عیسی باید از گناهکاران دوری کند. آنان به زکا برچسب گناهکار زده بودند. کلمه گناهکار را مورد بحث قرار بدهید و واقعیتی که همه ما گناهکار هستیم. گناه ما را از خدا جدا می کند. زکا حرف های عیسی را شنید و می دانست که باید تغییر کند. او می خواست تا برای خدا زندگی کند و نه برای خودش. برای اینکه نشان بدهد که بخاطر برداشتن پول متأسف است به عیسی گفت که نیمی از پول خود را به فقرا خواهد داد و پول بیشتری را که با ناراستی برداشته بود پس خواهد داد. (لوقا ۱۹: ۷ - ۸). هر کسی که دوست و پیرو عیسی می باشد خواهد خواست تا از خدا اطاعت نموده و از دیگران ندرزد. (خروج ۲۰: ۱۵)• عیسی به زکا گفت که «نجات به این خانه آمده است». یک تغییر واقعی در خانه او اتفاق افتاده بود زیرا عیسی او را از گناه نجات داده بود. از الان به بعد او کار خود و رفتار خود با دیگران را به گونه ای کاملاً متفاوت انجام خواهد داد. (لوقا ۱۹: ۹ - ۱۰)• عیسی آمد تا ما را نیز از گناهانمان نجات دهد. اگر برای اشتباهاتی که انجام داده ایم اظهار ندامت کنیم، او وعده داده است که گناهانمان را ببخشد و ما بخشی از خانواده خدا می شویم و می خواهیم تا طوری زندگی کنیم که خدا را خشنود سازیم. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان دهید: لینک FBI را از ضمیمه ببینید - زکا.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی لوقا ۱۹: ۹ را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و شرح بدهید. زکا پسر ابراهیم بود نه تنها بخاطر اینکه یهودی بود بلکه مانند ابراهیم او الان خدا را دوست می داشت و می خواست تا با زندگی خود او را خشنود بسازد. او در این داستان این کار را چگونه انجام داد؟</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>از سوالات زیر برای آزمون کوتاه استفاده کنید:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی به کجا می رفت؟• او از میان کدام شهر می گذشت؟• شغل زکا چه بود؟• چرا مردم از او نفرت داشتند؟• زکا برای دیدن عیسی مجبور شد تا چه کاری کند؟• وقتی عیسی به خانه زکا رفت چه کسانی غر زدند؟• زکا چگونه نشان داد که با دیدار با عیسی زندگی اش تغییر یافته است؟• او وعده داد تا چه کاری انجام دهد؟• عیسی گفت که برای چه آمده است؟ <p>یا کلاس می تواند داستان را نمایش بدهد. معلم می تواند آیات کتاب مقدس را بخواند و بچه ها نقش عیسی و زکا و جمعیت را بازی کنند.</p>	<p>بخاطر بسپارید</p>

C3 داستان ۲

نیقودیموس - این داستان: داشتن زندگی جاودان

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• نیقودیموس می خواست تا بیشتر درباره عیسی بداند.• برای داشتن زندگی جاودان باید تولد دوباره داشته باشیم. <p>آیه کلیدی: یوحنا ۳: ۱۶</p> <p>آیات کتاب مقدس: یوحنا ۳: ۱ - ۱۶</p>	
<p>سطح ۱ - عکس یک بچه یا نوزاد را بیاورید و درباره شگفتی یک زندگی جدید صحبت کنید.</p> <p>سطح ۲ - فریسی یعنی چه؟ توضیح بدهید که آنها در ایام عیسی گروهی از رهبران مذهبی بودند که فکر می کردند که با نگاه داشتن احکام یهودی و سنت ها می توانند زندگی جاودان داشته باشند. در داستان امروز یک فریسی مشتاق بود تا حقیقت را خودش بیابد.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• عیسی برای عید پَسَح به اورشلیم رفته بود. مردی مهم در شهر بود به نام نیقودیموس که علاقمند بود تا درباره عیسی بیشتر بداند. توضیح بدهید که این چیز خوبی است تا بخواهیم درباره عیسی بیشتر بدانیم. او درباره عیسی شنیده بود که معجزات زیادی انجام داده و به مردم درباره خدا تعلیم داده است. نیقودیموس یک فریسی بود. (سطح ۲). او تصمیم گرفته بود تا برود و در شب هنگام عیسی را ببیند. در این باره صحبت کنید که چرا او در هنگام شب برای دیدار رفته بود - شاید نمی خواست تا دیده شود یا می خواست زمانی برود که مردم کمتری در اطراف عیسی باشند. بخواهید که او به عیسی چه گفت. (یوحنا ۳: ۱ - ۲).• عیسی به نیقودیموس گفت که مردم برای داشتن زندگی جاوید باید تولد دوباره داشته باشند. نیقودیموس گیج شده بود. یوحنا ۳: ۴ را بخوانید و به بچه ها کمک کنید تا مشکل نیقودیموس را درک کنند. عیسی شرح داد که نیازی نیست که مانند یک نوزاد متولد بشود بلکه لازم است تا زندگی تازه ای داشته باشد. زمانی که از خدا بخواهیم تا گناهانمان را ببخشد و از گفته های او در کتاب مقدس پیروی کنیم زندگی تازه ای خواهیم داشت. توضیح بدهید که ما تولد یافته ایم، ما بخشی از خانواده شده ایم ولی وقتی از زندگی تازه خدا برخوردار شویم مانند این است که دوباره در یک خانواده جدید، خانواده خدا متولد شده باشیم و فرزندان خدا می شویم. (یوحنا ۳: ۳ - ۴).• با بچه های سطح ۲ می توانید درباره نقش روح القدس صحبت کنید. عیسی آن را مانند بادی تشبیه کرد. ما می توانیم باد را ببینیم ولی می توانیم بینیم که چه می کند. از بچه ها بخواهید تا مثال هایی را بگویند. روح القدس نیز ناپیداست ولی او در کار است وقتی که فردی درک کند که لازم است تا در خانواده خدا متولد شود. روح القدس کمک کننده و راهنمایی است که در زندگی مسیحی زنده و فعال است. (یوحنا ۳: ۵ - ۸)• عیسی نیقودیموس را شگفت زده کرد زیرا آنچه که گفته بود را درک نمی کرد. این برای نیقودیموس سخت بود تا چیزهایی را درباره ملکوت درک کند و بعد عیسی شرح داد که پسر انسان (خودش) از ملکوت آسمان آمده است. (یوحنا ۳: ۹ - ۱۳)• بعد عیسی ادامه داد و به نیقودیموس زمانی را یادآوری کرد که موسی مار برنجی را در بیابان بر روی پایه ای برافراشت تا بنی اسرائیل بتواند از مرگ نجات یابد. (B11 داستان ۴: اعداد ۲۱: ۴ - ۹). با سطح ۲ می توانید وارد جزئیات بیشتری بشوید. عیسی شرح داد که او نیز برافراشته خواهد شد. ... بر روی یک صلیب تا هر کسی که به او ایمان بیاورد بتواند از گناه نجات یابد. (یوحنا ۳: ۱۴ - ۱۵).• بعد آیه مشهور دیگری از کتاب مقدس و آیه کلیدی ادامه می یابد. (یوحنا ۳: ۱۶). درباره خبر خوش خداوند با بچه ها گفتگو کنید. عیسی به نیقودیموس گفت که خداوند هر کسی را در این جهان بسیار دوست دارد و به همین خاطر پسر خود عیسی را فرستاد تا بر روی صلیب بمیرد.• هر فردی که به عیسی و مرگ او به این مفهوم که مجازات گناه ما را بر می دارد ایمان داشته باشد، می تواند زندگی جاوید داشته و روزی در ملکوت آسمان باشد. <p>درس وقت کتاب مقدس را تکمیل کنید.</p> <p>نشان دهید: لینک FBI را از ضمیمه ببینید - نیقودیموس.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی یوحنا ۳: ۱۶ را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و شرح بدهید. ساختار این آیه را به بچه ها نشان داده و بخش هایی را با رنگ های مختلف به نمایش بگذارید. نیمه اول به ما درباره خدا - عیسی، پسر می گوید که در وسط قرار دارد - نیمه دوم به ما می گوید که چه کاری باید انجام دهیم.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالاتی را از متنی که کامل کردید در آزمون کوتاه بگنجانید.</p> <p>یا بچه ها می توانند چیزهایی را که عیسی به نیقودیموس آموخت را به نمایش بگذارند. برای نمونه</p> <ul style="list-style-type: none">• بچه جدیدی با والدین / که در خانواده خدا متولد شده است.• باد / روح القدس.• مار بر روی یک پایه / عیسی بر روی صلیب.• محبت خدا برای جهان. عکس هایی را از بچه ها در ملیت های مختلف جمع آوری کرده و آنها را بر روی نقشه ای بگذارید و یوحنا ۳: ۱۶ را در زیر نویس آن قرار دهید.	<p>بخاطر بسپارید</p>

C3 داستان ۳

زنی از اهالی سامره - این داستان: عیسی آب زنده عطا می کند.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی زمانی گذاشت و به زن درباره آنچه که بیش از هر چیزی نیاز دارد گفت.• عیسی از هر کسی دعوت می کند تا آب زنده را دریافت کنند. <p>آیه کلیدی: یوحنا ۴: ۴۲</p> <p>آیات کتاب مقدس: یوحنا ۴: ۴ - ۳۰ و ۳۹ - ۴۲</p>	
<p>معرفی کنید</p> <ul style="list-style-type: none">• چه چیزی شما را تشنه می کند؟ از بچه ها بخواهید تا پیشنهاد بدهند. بهترین چیز برای رفع تشنگی چیست؟ در این باره صحبت کنید که از کجا می توان آب بدست آورد. (شیر آب، آب سرد در یخچال، بطری آب، چشمه آب، چاه آب).• در این باره صحبت کنید که آب چگونه برای مدتی تشنگی را رفع می کند. او انسان بود و مانند ما تشنه می شد.• یا وقتی خبر خوشی دریافت می کردید چه می کردید؟ از بچه ها مثال هایی بخواهید که اگر خواستند بگویند. یک خانم در داستان ما خبرهای خوشی داشت تا با همسایگان و دوستان خود به مشارکت بگذارد.	
<p>تعلیم دهید</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی با همراهان خود در سفر بود و تصمیم گرفت تا از مسیر سامره برود. بر روی نقشه برای بچه های بزرگتر سامره را نشان بدهید. او به شهری رسید که سینحار نامیده می شد. عیسی که گرم و خسته شده بود در کنار چاهی نشست. برای سطح ۱ توضیحات بیشتری یا تصویری از یک چاه را به نمایش بگذارید. میانه روز بود. همراهان او رفته بودند تا از شهر غذا بخرند، پس عیسی تنها بود. (یوحنا ۴: ۴ - ۶)• در حالیکه در آنجا نشسته بود زنی آمد تا تعدادی کوزه را از آب پر کند. شرح بدهید که چرا این زمان از روز غیر معمول بود و برای چه زمانی که هوا خنک تر بود نیامده بود. عیسی از او برای نوشیدن آب خواست. توضیح بدهید که چرا زن (یک سامری) شگفت زده شد که عیسی (یک یهودی) با او حرف می زند. یهودیان و سامریان معمولاً با یکدیگر حرف نمی زدند. (یوحنا ۴: ۷ - ۹).• عیسی به آن زن گفت که می تواند به او آب زنده بدهد که هرگز تشنه نخواهد شد. آن زن منظور عیسی را نفهمید زیرا عیسی هیچ ظرف آبی نداشت تا آن را از چاه پر کند. توضیح بدهید که عیسی آبی از چاه بر نداشته بود ولی چگونه می توانست زندگی جاوید یا آب زنده بدهد. (یوحنا ۴: ۱۰ - ۱۵)• عیسی به زن گفت که از تمامی اشتباهات گذشته او در گذشته آگاه است. (سن و سال بچه ها را در این مورد لحاظ کنید و بطریقی آن را توضیح دهید که مناسب با سن و سال آنها باشد). زن از اینکه عیسی این همه درباره او می داند شگفت زده شد! آن زن متوجه شد که او در واقع نبی خداست. پس از گفتگویی بیشتر، عیسی به آن زن گفت که او آن یگانه ای است که خدا وعده داده تا بفرستد و مردم را از گناهانشان نجات دهد. (یوحنا ۴: ۱۶ - ۲۶). توضیح بدهید که کسانی که ایمان داشته باشند که عیسی پسر خداست و از او طلب بخشش کنند، روزی به آسمان خواهند رفت - آنان زندگی جاودان خواهند داشت.• درست در همین لحظه بود که پیروان عیسی بازگشتند. آن زن آنقدر از گفته های عیسی هیجان زده شده بود که کوزه های خود را کنار چاه رها کرد و دوید تا خبر خوش را با دیگران به مشارکت بگذارد. آنچه را که گفت بخوانید. (یوحنا ۴: ۲۹).• مردم از شهر بیرون آمده تا عیسی را ببینند. (یوحنا ۴: ۲۷ - ۳۰)• بسیاری از سامریان وقتی حرف های عیسی را شنیدند به او ایمان آوردند. آنان متوجه شدند که او کیست. (یوحنا ۴: ۳۹ - ۴۲). آیه کلیدی را بخوانید که دقیقاً به ما می گوید که به چه چیزی ایمان آوردند. آیا می دانید که عیسی مسیح منجی شماست؟ آیا برای خطاکاری خود نادم هستید و تصمیم گرفته اید تا از آنچه که خدا در کتاب مقدس گفته است پیروی کنید؟ اگر چنین است چرا خبر خوش را با دیگران به مشارکت نمی گذارید، مانند زنی که در کنار چاه چنین کرد؟ درس کتاب مقدس را کامل کنید. <p>نشان بدهید: لینک FBI را از ضمیمه ببینید - زنی از سامره.</p>	
<p>یاد بگیرید</p> <p>آیه کلیدی یوحنا ۴: ۴۲ را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و توضیح دهید یا بخش آخر را برای بچه های کوچکتر توضیح بدهید. توضیح بدهید که دنیا به معنی مردمی است که در آن زندگی می کنند.</p>	
<p>بخاطر بسپارید</p> <p>از سوالات زیر برای آزمون کوتاه استفاده کنید؟</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی در مسیر سفر خود در کجا توقف کرد؟• او چه کسی را دید؟• او چه چیزی خواست؟• او در عوض چه چیزی به زن پیشکش کرد؟• عیسی به کسانی که او را دوست دارند چه می دهد؟• آن زن چرا دوید و کوزه های خود را رها کرد؟• چه کسی آمد تا عیسی را ببیند؟• آنان ایمان آوردند که او چه کسی است؟	

C3 داستان ۴

مرد جوان ثروتمند - این داستان: عیسی را در اولویت اول قرار دادن.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none"> • عیسی به سوالی پاسخ داد که چطور می توان حیات جاودان داشت. • عیسی می خواهد تا جایگاه نخست را در زندگی ما داشته باشد. <p>آیه کلیدی: مرقس ۱۰: ۲۱</p> <p>آیات کتاب مقدس: مرقس ۱۰: ۱۷ - ۲۳</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • از بچه ها بخواهید تا درباره مهم ترین چیزی در زندگیشان صحبت کنند - شاید یک اسباب بازی مخصوص یا یک حیوان خانگی. شاید در این موضوع چیزی را بخواهند نشان بدهند و درباره آن بگویند. توضیح بدهید که آنان خیلی خوش اقبال هستند که این چیزها را دارند و با بازی با آن ها لذت می برند. چیزهای خوبی هستند که خدا به ما داده است. ولی با گذشت زمان احتمالاً جایگزین شوند. این اهمیت دارد که عیسی خود بیش از هر چیز دیگری برای ما ارزش داشته باشد. او ما را دوست دارد و عمیقاً به ما اهمیت می دهد و بهترین دوستی که ما می توانیم داشته باشیم. • به بچه ها درباره احکام خدا یادآوری کنید/بگوئید. اولین فرمان از ۱۰ فرمان چیست (خروج ۲۰: ۳) - «تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد». این به چه معنی است؟ خداوند باید جایگاه نخست را در زندگی ما داشته باشد. 	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none"> • یک روز مرد جوان ثروتمندی سوال مهمی از عیسی داشت. پس به دنبال عیسی دوید و در حینی که او در مسیر جاده راه می رفت بر روی زانوهای خود افتاد. فکر می کنید که چرا او در برابر عیسی بر روی زمین افتاد؟ (او می دانست که عیسی فردی مهم است). آنچه را که پرسید نقل کنید. حال این مرد جوان پول زیادی داشت و می توانست بهترین لباس ها را بخرد و در خانه ای بزرگ زندگی کند و هر آنچه که می خواست را داشته باشد. ولی علاوه بر همه اینها او می خواست بداند که چگونه می تواند یقین داشته باشد که روزی به ملکوت خواهد رفت. (مرقس ۱۰: ۱۷) • عیسی مستقیماً به این سوال پاسخ نداد. عیسی به مرد جوان احکام خدا را یادآوری کرد. آیا می توانید بیاد بیاورید که آنها چه نامیده می شوند؟ (۱۰ فرمان). از بچه ها بپرسید که آیا می توانند فرمانهایی را بیاد بیاورند که چگونه باید با دیگران رفتار کرد. به آنهایی که عیسی فهرست کرد اشاره کنید. • مرد جوان به عیسی گفت که او همه این فرمان ها را از جوانی نگاه داشته است. (مرقس ۱۰: ۱۸ - ۲۰). توضیح بدهید که مرد جوان به اشتباهاتی که مرتکب شده بود فکر نکرده بود. او آگاه نبود که یک گناهکار است و احکام خدا را شکسته است. همه ما احکام خدا را شکسته ایم. هیچ کس، بجز عیسی کامل نیست. • عیسی با محبت به مرد جوان نگاه کرد و بعد او را امتحان کرد که آیا در خواست زندگی جاودان جدی است. این بدین معنی است که روزی او به آسمان خواهد رفت و برای همیشه با خدا خواهد بود. توضیح بدهید که عیسی به او گفت تا چکار کند. توضیح بدهید که گنج در آسمان به معنی این است که روزی مرد جوان زندگی جاوید خواهد داشت. عیسی می خواست ببیند که آیا پول این مرد جوان و همه چیزهایی که دارد مهم تر از او و پیروی از او می باشد. (مرقس ۱۰: ۲۱) • کتاب مقدس به ما می گوید که مرد جوان غمگین شد. این آزمون برای او خیلی سخت بود. او نمی خواست تا هر چیزی را که دارد ببخشد زیرا او خیلی ثروتمند بود. او دور شد و از عیسی پیروی نکرد. او آماده نبود تا عیسی را به عنوان مهمترین چیزی در زندگی در اولویت قرار دهد. وقتی مرد جوان رفت عیسی به پیروان خود گفت که برای یک ثروتمند پیروی از او و بودن بخشی از ملکوت خدا بسیار سخت می باشد زیرا آنان آنچه که بر روی زمین دارند را بیشتر از عیسی دوست می دارند. • آیا عیسی را به عنوان اولویت زندگی خود قرار داده اید؟ (مرقس ۱۰: ۲۲ - ۲۳) <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان دهید: لینک FBI از ضمیمه را ببینید - مرد جوان ثروتمند.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی مرقس ۱۰: ۲۱ را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و توضیح دهید یا بخشی از آن را برای بچه های کوچکتر شرح بدهید.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<ul style="list-style-type: none"> • از سوالات زیر برای آزمون کوتاه استفاده کنید: • مرد جوان چگونه نشان داد که عیسی فردی مهم است؟ • او چه سوالی کرد؟ • فرمانهایی که عیسی اشاره کرد را نام ببرید. • مرد جوان درباره این احکام چه گفت؟ • عیسی به او گفت تا برای اینکه نشان بدهد که عیسی مهم تر از پول است چکار کند؟ • آیا او در آزمون قبول شد یا رد شد؟ چرا؟ 	<p>بخاطر بسپارید</p>

C4 داستان ۱

داستان عید پاک - این داستان: به عیسی خیانت می شود.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• یهودا برای سی تکه نقره به عیسی خیانت کرد.• عیسی به دشمنانش اجازه داد تا او را دستگیر کنند زیرا می دانست که خدا پیشاپیش چه برنامه ای برای ما دارد. <p>آیه کلیدی: متی ۲۶: ۲۴</p> <p>آیات کتاب مقدس: متی ۲۶: ۱۴ - ۱۶ و ۳۶ - ۵۰</p>	
<p>از بچه ها بپرسید که آیا معجزات عیسی را به یاد دارند یا می توانند افرادی را نام ببرند که او در C۲ به آنان کمک کرد. آیا آنان افرادی را بیاد می آورند که او ملاقات کرد و با آنان در C۳ سخن گفت؟ موضوعات اصلی که عیسی درباره اش سخن گفت چه بود؟ (زندگی ابدی/بخشش). داستان را طوری به پیش ببرید که دلیلی که عیسی آمد بزرگ تر از شفا یا تعلیم بود. او برای انجام برنامه پدرش آمد تا بر روی صلیب برای گناهان ما بمیرد تا ما حیات جاودان داشته باشیم.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• رئیس کاهنان و مشایخ دسیسه چیدند تا راهی را برای کشتن عیسی بیابند. یهودا، یکی از حواریون عیسی پیش آنان رفت و قول داد تا آنها را به محل عیسی هدایت کند. آنان سی تکه نقره به او دادند. یهودا به عیسی خیانت کرد. معنی خیانت کردن را شرح بدهید. این واقعیت را به بحث بگذارید که یهودا به عیسی خیانت کرد بخاطر اینکه بدست آوردن پول را بیشتر از پیروی از عیسی دوست داشت. او عیسی را دوست نداشت و شاگرد راستینی نبود. (متی ۲۶: ۱۴ - ۱۶)• یک شب عیسی با تمام حواریون خود بجز یهودا به باغ جتسیمانی رفت. در باغ عیسی از پطرس، یعقوب و یوحنا خواست تا منتظر او بمانند و مراقب باشند در حالی که او تنها رفت تا نزد پدر خود دعا کند. عیسی می دانست که چه اتفاقی در حال افتادن است. کتاب مقدس به ما می گوید که او اندهناک و مشوش شد. چرا عیسی چنین حسی پیدا کرد؟ گرچه او می دانست که چه اتفاقی می افتد، او دعا کرد که نه به خواست من بلکه به اراده تو باشد. توضیح بدهید که عیسی مایل بود تا برنامه خدا به پیش برود و به خود اجازه داد تا مصلوب شود زیرا او ما را دوست داشت و مجازات گناهان ما را بر خود گرفت. (متی ۲۶: ۳۶ - ۳۹)• در حالی که عیسی دعا می کرد، حواریون به خواب رفتند. آنها سه بار به خواب رفتند و هر بار عیسی آمد و آنها را بیدار کرد. پس از آن عیسی می دانست که زمان فرا رسیده است تا اراده خدا انجام شود. (متی ۲۶: ۴۰ - ۴۶).• شرح بدهید که با نزدیک شدن قدم ها در تاریکی سکوت شکسته شد. این یهودا بود که همراه با جماعتی از مردم می آمد که شمشیر و چماق در دست داشتند. فکر می کنید که آنها می خواستند که چه کاری انجام دهند؟ توضیح بدهید که آنان نمی توانستند صورت ها را به سادگی در تاریکی تشخیص بدهند ولی یهودا عیسی را می شناخت و بسوی او رفت و او را بوسید. این به آنان فهماند که چه کسی باید دستگیر شود و عیسی به مردان اجازه داد تا او را دستگیر کنند. (متی ۲۶: ۴۷ - ۵۰)• یهودا در خیانت به عیسی مرتکب اشتباه وحشتناکی شد. بدون ذکر مثالهای شخصی، با کودکان صحبت کنید که چقدر نا امید کننده است که توسط کسی که فکر می کردیم می توانیم به او اعتماد کنیم بخوریم. یهودا پول را بیشتر از پیروی از عیسی دوست داشت.• عیسی ما را آنقدر دوست داشت که مایل بود در حالی که در باغ دعا می کرد، از اندوه وحشتناکی رنج ببرد و یک دوست دروغین به او خیانت کند. همه اینها بخشی از چیزی بود که او باید از آن عبور می کرد تا برنامه خدا را برای ما اجرا کند. و بعد کل مجازات را برای گناهان ما متحمل شد. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان دهید: لینک FBI را از ضمیمه ببینید - داستان عید پاک: به عیسی خیانت می شود.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی متی ۲۶: ۲۴ را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و شرح بدهید. بچه های سطح ۱ می توانند نیمه اول آیه را یاد بگیرند.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>از سوالات زیر برای آزمون کوتاه استفاده کنید:</p> <ul style="list-style-type: none">• چه کسانی توطئه چینی کردند تا عیسی را بکشند؟• نام شاگردی که به عیسی خیانت کرد چه بود؟• کلمه خیانت به چه معنی است؟• آنها چند تکه نقره به یهودا دادند؟• نام باغی که عیسی رفت تا دعا کند چه بود؟• در حینی که عیسی دعا می کرد چه اتفاقی برای حواریون افتاد؟• یهودا چگونه عیسی را به مردان نشان داد؟• چرا عیسی اجازه داد تا دستگیر بشود؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

C4 داستان ۲

داستان عید پاک - این داستان: عیسی برای ما رنج کشید.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی بی گناه بود.• عیسی برای گناهان ما مرد. <p>آیه کلیدی: متی ۲۷: ۲۲</p> <p>آیات کتاب مقدس: متی ۲۷: ۱ - ۲ و ۱۱ - ۳۱</p>	
<p>داستان قبل را با بچه ها مرور کنید. عیسی توسط جماعتی دستگیر شد و به رهبران یهود تسلیم گردید. از بچه ها بپرسید که آیا تا به حال برای کاری که نکرده اند به دردسر افتاده اند. شاید آنان بخاطر کاری که نکرده اند تنبیه شده باشند. آیا این انصاف است؟ این چه احساسی به آنها می دهد؟ در درس امروز سعی کنید تا تصور کنید که این حالت برای عیسی، پسر معصوم خدا چگونه باید باشد که متهم به خطا شود.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• عیسی را بستند و نزد پیلطس، حاکم رومی بردند. توضیح بدهید که رهبران یهود مجبور بودند تا عیسی را نزد پیلطس ببرند زیرا او در آن زمان عهده دار مملکت بود. (متی ۲۷: ۱ - ۲)• پیلطس از عیسی بازجویی کرد. او مطمئن شد که عیسی تقصیری ندارد. به بچه ها یادآوری کنید که عیسی هیچ گناهی مرتکب نشده بود. او معصوم و بی گناه بود. پیلطس می دانست که رهبران یهود می خواستند تا عیسی مصلوب شود زیرا آن ها به او حسادت می کردند. آنها دروغ های زیادی درباره عیسی گفتند. پیلطس نمی خواست تا عیسی مصلوب شود پس او پیشنهاد کرد که یک زندانی آزاد شود. او گفت که یهودیان باید انتخاب کنند که کدام زندانی آزاد شود. پیلطس امید داشت که آنها عیسی را انتخاب کنند ولی آنها چنین نکردند. آنها باراباس را انتخاب کردند که مرد بدکاری بود و آنها فریاد زدند که عیسی را مصلوب کن. بپرسید: آیا عیسی سزاوار مصلوب شدن بود؟ آیا فکر می کنید که این منصفانه بود؟ بحث کنید که چرا خدا اجازه داد تا با عیسی اینگونه رفتار شود. (متی ۲۷: ۱۱ - ۲۳)• پیلطس می دانست که مردم نظر خود را تغییر نمی دادند. او باراباس را آزاد کرد و دستور داد تا عیسی مسیح را شلاق بزنند و برای مصلوب کردن ببرند. قبل از این که او را مصلوب کنند، سربازان با او به بدی رفتار کردند. آنان ردای ارغوانی بر او پوشانیدند و تاجی از خار بر سرش نهادند. آنها او را مسخره کردند، بر او آب دهان انداختند، و زدند. آنگاه او را بر روی صلیب میخکوب کردند. (متی ۲۷: ۲۴ - ۳۱)• سطح ۲ - شاید بخواهید در این باره که چرا عیسی مرد بیشتر بدانید. همه وقایع نا منصفانه بنظر می رسد که مرد بدی مانند باراباس آزاد شود و عیسی که خطایی مرتکب نشده بود به مرگ محکوم شود. توضیح بدهید که چرا خدا همچنان اوضاع را تحت کنترل داد اگر چه بنظر می رسد که هر کسی بر آنچه که بر عیسی واقع شد قدرت داشته است. عیسی به حواریون خود توضیح داده بود که او بدین گونه خواهد مرد ولی آنها درک نکرده بودند. (متی ۱۶: ۲۱ و ۱۷: ۲۲ - ۲۳ و ۲۰: ۱۷ - ۱۹). انبیای عهد قدیم نیز درباره این وقایع پیش از اینکه اتفاق بیفتند گفته بودند. حال تمام آنها درست همانطور که خدا برنامه ریزی کرده بود اتفاق افتاد.• سطح ۱ و ۲ - عیسی سزاوار مرگ نبود. او با تمایل مرد زیرا او ما را دوست داشت و می خواست تا مجازات گناهان ما را بردارد. عیسی برای گناهان کل جهان مرد. این بزرگترین واقعه تاریخ بود ولی ما باید بطور شخصی کاری انجام دهیم. وقتی که ما به عیسی می گوئیم که برای گناهانمان متاسفیم، او ما را خواهد بخشید و گناهان ما را بر می دارد. آنگاه می توانیم مطمئن باشیم که روزی با او در آسمان خواهیم بود. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان دهید: لینک FBI را از ضمیمه ببینید - داستان عید پاک: عیسی برای ما رنج می کشد (پیلطس).</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی متی ۲۷: ۲۲ را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و توضیح بدهید که بخشی از داستان است.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>برای آزمون کوتاه از جملات زیر استفاده و در مقابل آن درست یا غلط بنویسید:</p> <ul style="list-style-type: none">• پیلطس از عیسی بازجویی کرد.• پیلطس فکر می کرد که عیسی مقصر است.• رهبران یهودی نمی خواستند تا عیسی مصلوب شود.• عیسی هیچ گناهی مرتکب نشده بود.• باراباس بی گناه بود.• سربازان با عیسی با مهربانی رفتار کردند.• عیسی مجازات گناهی که ما شایسته آن بودیم را بر خود گرفت.• ما می توانیم با عیسی در آسمان باشیم اگر گناهانمان بخشیده شود.	<p>بخاطر بسپارید</p>

C4 داستان ۳

داستان عید پاک - این داستان: عیسی از مرگ قیام می کند.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی دفن شد و دوباره قیام کرد.• قدرت عظیم خدا عیسی را از مرگ قیام داد. <p>آیه کلیدی: متی ۲۸: ۶</p> <p>آیات کتاب مقدس: متی ۲۷: ۵۷ - ۶۶</p>	
<p>دو درس گذشته را مرور کنید. در حالی که به بچه ها اشاره شد که چه اتفاقی برای عیسی افتاده بود، کلمات زیر را بر روی تکه کاغذ های کوچک نوشته و آنها را جابجا کنید.</p> <p>خیانت شد دستگیر شد بازجویی شد محکوم شد مسخره شد مصلوب شد.</p> <p>آیا آنها می توانند عبارات بالا را در ترتیب وقایع مرتب کنند؟ دوباره تمرکز کنید که چرا همه این وقایع اتفاق افتاد.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• عیسی بر روی صلیب مرد. در همان شب مردی ثروتمند بنام یوسف رفت و با پیلطس صحبت کرد. یوسف به عیسی ایمان داشت و از پیلطس درخواست کرد تا بدن عیسی را تحویل بگیرد تا بتواند بطور شایسته ای او را دفن کند. (متی ۲۷: ۵۷ - ۵۸)• یوسف بدن را برداشت و در پارچه ای کتان که تمیز بود پیچید و او را در مقبره ای تازه گذاشت. مقبره مانند یک غار کوچک بود که بر روی صخره ای تراشیده شده بود. او سنگ بزرگی را بر دهانه ورودی آن غلطاندید و رفت. زنانی که عیسی را دنبال می کردند در کنار مقبره ماندند. از بچه ها پرسید که فکر می کنند که یوسف و این زنان چه احساسی داشتند. (متی ۲۷: ۵۹ - ۶۱)• برای بچه ها شرح بدهید که سالیان بسیار پیش تر اشعیای نبی پیشگوئی کرده بود که عیسی در مقبره یک مرد ثروتمند دفن خواهد شد (اشعیای ۵۳: ۹). این نبوت (یا پیشگویی) حالا محقق شده بود.• یهودیان نگران بودند که حواریون عیسی ممکن است در شب بیایند و بدن او را بدزدند و داستانی درست کنند که عیسی از مرگ قیام کرده است. آنها از پیلطس درخواست کردند تا سربازانی را بفرستد تا مقبره را مهر و موم کرده و از آن محافظت کنند. (متی ۲۷: ۶۲ - ۶۶)• سربازان از مقبره محافظت کردند ولی نتوانستند فرشته ای را متوقف کنند که از سوی خداوند و از آسمان نازل می شد. او سنگ را غلطاند و بر روی آن نشست. عیسی بیش از آن در آن مقبره نبود! فرشته گفت «او اینجا نیست زیرا از مرگ قیام کرده است» (متی ۲۸: ۱ - ۶)• خبر خوش این است که خدا با قدرت عظیم خویش عیسی مسیح را از مرگ قیام داد. بدن او دزدیده نشده بود و متعفن نشده بود. خدا او را زنده از قبر بیرون آورده بود! این مطلب ثابت می کند که خدا چقدر از آنچه که عیسی انجام داده بود، هنگامی که برای گناهان ما مرد، خشنود بود. به بچه ها یادآوری کنید که این مطلب همچنین ثابت می کند که او واقعا پسر خدا بود. او می خواست تا همه به او به عنوان تنها منجی خودشان اعتماد کنند. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان دهید: لینک FBI را از ضمیمه ببینید - داستان عید پاک: عیسی از مرگ قیام می کند (یوسف ارامی).</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی متی ۲۸: ۶ را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و توضیح بدهید که بخشی از داستان است.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>فعالیت هنری عید پاک</p> <p>کلاس را به سه گروه تقسیم کنید. به هر گروه فهرستی ساده از صحنه بدهید.</p> <p>(۱) سه صلیب. (۲) مقبره با سنگی در دهانه ورودی. (۳) مقبره با سنگی که غلطاندیده شده است.</p> <p>از کاغذهای باطله یا مواد دیگر می توانید استفاده کنید. گروه می تواند یک کلاژ درست کند. یک زیر نویس / آیه می تواند به آن در هنگام نمایش اضافه شود (اول قرنیتان ۱۵: ۳ - ۴). گروه کوچکتر می تواند تنها بر صحنه سوم تمرکز داشته باشد.</p>	<p>بخاطر بسپارید</p>

C4 داستان ۴

داستان عید پاک - این داستان: عیسی به پیروان خود ظاهر می شود.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none"> • همه اتفاقاتی که بر عیسی واقع شد برنامه خدا بود. • قیام او باعث خوشی عظیمی گردید. <p>آیه کلیدی: لوقا ۲۴: ۲۶</p> <p>آیات کتاب مقدس: لوقا ۲۴: ۱۳ - ۳۵</p>	
<p>مرور فعالیت: بیندیشید، جور کنید، به اشتراک بگذارید. مجموعه ای از کارتهای کوچک تهیه کنید که روی هر یک از آنها یک نام نوشته شده باشد - یهودا، پیلطس، یوسف، زنان. باید به اندازه کافی کارت داشته باشید. بچه ها که به صورت دو نفره کار می کنند، به یکدیگر توضیح می دهند که چه کسی، چه چیزی و کجا متناسب با شخصیت داستان است. معلم می تواند چند جفت را انتخاب کند تا در پایان به بقیه گروه گزارش دهد.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none"> • دو نفر از پیروان عیسی (یکی بنام کلیوپاس) از اورشلیم راهی روستایی بنام عماثوس بودند که حدود ۱۱ کیلومتر دورتر بود. آنها درباره تمام وقایعی که در اورشلیم اتفاق افتاده بود حرف می زدند و بسیار غمگین و گیج بودند. بحث کنید که چرا. توضیح بدهید که عیسی از مرگ قیام کرده بود ولی این پیروان هنوز او را ندیده بودند. (لوقا ۲۴: ۱۳ - ۱۴) • طولی نکشید که غریبه ای به آنان ملحق شد و خواست تا بدانند که درباره چه چیزی گفتگو می کنند. توضیح بدهید که شما کلیوپاس خواهید بود و با غریبه صحبت می کنید. غم و ناراحتی خودتان را نشان بدهید. • آیا درباره آنچه که در اورشلیم اتفاق افتاده نشنیده ای؟ شما باید تنها کسی باشید که نشنیده باشد! عیسی ناصری نبی خدا بود. همچنین امید داشت تا بتواند رهایی دهنده مخصوص خدا باشد. او حرفها و کارهای شگفت انگیزی انجام داد. ولی سه روز پیش رهبران ما او را بر روی صلیب کشتند. امروز زنان به ما خبر شگفت انگیزی گفتند. صبح زود آنها به مقبره رفتند ولی نتوانستند بدن او را بیابند. آنها به ما گفتند که فرشته ای گفته که عیسی زنده است! آنگاه برخی از دوستان دیگر ما به داخل مقبره رفتند و مقبره را خالی یافتند درست همانطور که زنان گفته بودند ولی هیچ نشانی از عیسی نبود! (لوقا ۲۴: ۱۵ - ۲۴). • مکث کنید ... و توضیح بدهید که شما پاسخ غریبه را الان می خواهید تکرار کنید. ... شما چقدر کند ذهن هستید که نتوانستید حقیقت را متوجه بشوید! شما باید هر آنچه که انبیا گفته اند را باور کنید و آنچه را که در آیات مقدس نوشته شده است. آن فردی که توسط خدا فرستاده شده بود باید رنج و مصیبت می دید. • غریبه توضیح داد که هر آنچه که خدا در عهد قدیم توسط انبیا گفته بود واقع شده است. آن دو شگفت زده شدند که این غریبه چطور همه اینها را می دانست! (لوقا ۲۴: ۲۵ - ۲۷). • طولی نکشید که هر سه به عماثوس رسیدند. دیر شده بود و به غریبه اصرار کردند تا برای شب در آنجا بماند. در حالی که می خواستند غذا بخورند، غریبه مقداری نان برداشت و خدا را شکر کرد. آیا این به شما نشانه ای می دهد که آن غریبه که بود؟ کتاب مقدس می گوید که چشمان آنان گشوده شد و دانستند که او عیسی است! ناگهان او از دیدگان ناپدید شد ولی حالا آنان کاملاً مطمئن بودند که عیسی از میان مردگان قیام کرده است! آنان متوجه شدند که چقدر شرح ماجرا توسط خود عیسی در راه برایشان شگفت انگیز بوده است. • خوشی و شگفتی آنان را با حسی که در ابتدا داشتند مقایسه کنید. (لوقا ۲۴: ۲۸ - ۳۲) • آنان بلافاصله به اورشلیم بازگشتند و حواریون را یافتند. آنها به آنان در باره گفتگویی که در راه داشتند و اینکه غریبه ای که با او صحبت می کردند عیسی بود گفتند. (لوقا ۲۴: ۳۳ - ۳۵). • در این داستان دو نفر از پیروان عیسی برنامه خدا را آموختند و اینکه چطور همه اینها انجام شد. ما نیز باید خوشحال باشیم که از کتاب مقدس درباره عیسی آموخته ایم که راه را برای ما گشود تا بسوی خدا بازگردیم. او باید زجر می کشید و می مرد تا گناهان ما را بر دارد. همچنین این برنامه خدا بود که او دوباره قیام کند و به آسمان بازگردد. کتاب مقدس به ما تعلیم می دهد که ما باید از او برای تمام آنچه که برای ما انجام داده تا گناهان ما بخشیده شود تشکر کنیم و چشم انتظار روزی باشیم که با او در آسمان باشیم. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان دهید: لینک FBI را از ضمیمه ببینید - داستان عید پاک: عیسی به پیروان خود ظاهر می شود.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی لوقا ۲۴: ۲۶ را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و شرح بدهید.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>فعالیت گروهی: داستان را بصورت بخش بخش با جملات در هم ریخته به هر یک از گروه بدهید. اولین گروهی که آن را بطور صحیح مرتب کند برنده است. اینها جملات هستند. دو تن از پیروان عیسی در راه عماثوس می رفتند - آنان غمگین بودند - غریبه ای به آنان ملحق شد - غریبه درباره آنچه که اتفاق افتاده بود صحبت کرد - در عماثوس غریبه برای غذا به آنان پیوست - وقتی او نان را تکه کرد فهمیدند که عیسی می باشد - آنان بخاطر اینکه او زنده است از خوشی سر از پا نمی شناختند.</p> <p>بچه های سطح ۱ می توانند تصاویری از مردان را در راه - یا اینکه زمانی که به عماثوس رسیدند با هم غذا می خوردند را نقاشی کنند.</p>	<p>بخاطر بسپارید</p>

C5 داستان ۲

روت و بوعز - این داستان: برنامه خدا برای روت.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• خدا نسبت روت خیرخواه بود و برنامه ای برای زندگی او داشت.• خدا برنامه ای برای زندگی ما دارد. <p>آیه کلیدی: روت ۴: ۱۳</p> <p>آیات کتاب مقدس: روت ۲ - ۴</p>	
<p>نقاط کلیدی را در داستان هفته گذشته مرور کنید. درباره زمان برداشت محصول صحبت کنید. آیا می توانید محصولاتی را نام ببرید؟ تعدادی عکس/مثال را نشان بدهید. از این صحبت کنید که این محصولات چگونه برداشت می شود. در ایام کتاب مقدس، ماشین آلات نبود. برداشت کنندگان از چاقوهای بزرگی که داس نامیده می شود برای بریدن خوشه ها استفاده می کردند. مردمان فقیر خوشه چپان نامیده می شدند که در پشت سر درو کنندگان حرکت می کردند و دسته ها و یا خوشه های باقی مانده را بر می داشتند.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• وقتی که روت و نعومی به بیت لحم رسیدند محصول زیادی باقی مانده بود. روت می خواست تا به عنوان خوشه چین کار کند و برای نعومی و خودش غذا تهیه کند. بحث کنید که این چگونه خواهد بود. (کار سخت، کسی را نمی شناسید).• روت از مهربانی صاحب مزرعه بنام بوعز متعجب شد. او به روت گفت تا در مزرعه با خدمتکاران دختر هماند و وقتی تشنه شد آب بنوشد. (روت ۲: ۸ - ۹)• روت گیج شده بود که چرا او اینقدر با یک غریبه مهربان است ولی بوعز توضیح داد که او پیش از این درباره او شنیده است! از بچه ها بخواهید تا پیدا کنند که او ممکن است چه چیزی درباره روت شنیده باشد. بوعز می دانست که روت به خدا اعتماد داشت. خدا از بوعز استفاده کرد تا از روت مراقبت کند. (روت ۲: ۱۰ - ۱۷). بعدا بوعز برای روت غذا تهیه کرد و به مردان در مزرعه گفت تا مقداری اضافی خوشه رها کنند تا او بتواند بردارد.• از بچه ها بپرسید که وقتی که روت شب به خانه رفت به نعومی چه گفت. شرح بدهید که نعومی می دانست که تمامی کارهای بوعز محبت خدا نسبت به روت بوده است. (روت ۲: ۱۸ - ۲۳)• خاتمه داستان را خلاصه کنید (روت ۳ و ۴) با این توضیح که خدا برنامه های بسیار بهتری برای زندگی روت داشت. طولی نکشید که بوعز با روت ازدواج کرد. بعدا روت صاحب پسری شد که عوبید نام گذاشته شد. شرح بدهید که او جد داود پادشاه شد. بگویند که چگونه این وقایع خوشحال کننده بر روت و نعومی تاثیر گذاشت - با گذشته مقایسه کنید. به بچه ها کمک کنید تا ببینند که تصمیم روت برای انتخاب خدا در روت ۱: ۱۶ درست بوده است. شرح بدهید که وقتی به خدا اعتماد کنیم، خدا خیریات و برنامه کامل خود را برای ما خواهد آورد. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان دهید: لینک FBI را از ضمیمه ببینید - روت و بوعز.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی رومیان ۸: ۲۸ را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و توضیح دهید. خدا از تصمیم هایی که روت گرفت استفاده کرد و حتی در اتفاقاتی که برای او افتاد (غریب شدن در سرزمینی دیگر) تا برنامه خوب خود را برای او پیاده کند.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سطح ۱ - از جملات زیر برای آزمون کوتاه با جواب درست یا غلط استفاده کنید:</p> <ol style="list-style-type: none">۱. نعومی و روت در بهار به بیت لحم رسیدند.۲. هر دو کاری را در مزرعه یافتند.۳. روت در مزرعه ای کار کرد که متعلق به بوعز بود.۴. بوعز با اطمینان از اینکه او آب و غذا دارد نسبت به او دلسوز بود.۵. نعومی نمی توانست بفهمد که چرا بوعز نسبت به روت مهربان بود.۶. بعدها بوعز با روت ازدواج کرد و آنان صاحب پسری شدند. <p>سطح ۲ - می توانید این بیانیه ها را مورد بحث و بررسی قرار دهید:</p> <ol style="list-style-type: none">۱. روت وقتی که به بیت لحم رسید با نعومی اوقات خوشی داشت.۲. بطور شانس اتفاقات خوبی برای او افتاد.۳. خدا از مردم دیگر استفاده می کند تا برنامه خود را در زندگی ما پیاده کند. (تاثیرگذاری نعومی و بوعز را بر زندگی روت در نظر بگیرید)	<p>بخاطر بسپارید</p>

C5 داستان ۳

حنا نزد خدا دعا کرد - این داستان: خدا چگونه دعاها را می شنود.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none"> • خدا دعای حنا را شنید و اجابت کرد. • خدا از ما می خواهد تا دعا کنیم. <p>آیه کلیدی: لوقا ۱۱: ۹</p> <p>آیات کتاب مقدس: اول سموئیل ۱: ۱ - ۲۰</p>	
<p>درباره دعا حرف بزنید. بچه ها سطح درک متفاوتی از معنی دعا دارند. تلاش کنید تا آنها را بگونه ای متوجه کنید و ذهن آنها را از اینکه دعا لیستی از خواهش ها و درخواست ها می باشد دور کنید. در عوض خدا پدر آسمانی ما می باشد و می خواهد تا به ما آنچه را که از نظر او بهترین می باشد عطا کند. بگویید که دعا گفتگو با خداست و باید بدانید که او حرف های شما را می شنود. با سطح ۲، می توانید به برخی از مواردی که در لیست دعا اشاره شده اشاره کنید.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none"> • وضعیت حنا را شرح بدهید. (پاراگراف اول از سطح ۲ درس) (اول سموئیل ۱: ۱ - ۲). • الیمک هر سال خانواده اش را به سفری مخصوص به شهری به نام شیلوه می برد. آنها در اینجا می توانستند خدا را عبادت کنند. ولی در این زمان حنا خیلی ناراحت بود زیرا فننه بخاطر اینکه او بچه ای نداشت با او حرف های گزنده ای زده بود. او گریه می کرد و نمی خواست چیزی بخورد. حنا به بهترین وجه ممکن عمل کرد. او تصمیم گرفت تا نزد خدا دعا کند. شرح بدهید که ما می توانیم با خدا درباره نگرانی ها و مشکلاتمان صحبت کنیم. (اول سموئیل ۱: ۳ - ۷) • وقتی حنا دعا کرد به خدا قولی داد. اگر خدا به او پسری بدهد او را وقف خدمت به خدا خواهد کرد. فرد دیگری او را تماشا می کرد! عیلی کاهن می توانست حنا را ببیند که گریه می کند ولی وقتی دید لبهای او تکان می خورد نمی توانست چیزی بشنود. عیلی فکر کرد که او مست می باشد پس به او گفت تا به بیرون برود! حنا به عیلی گفت که او خیلی ناراحت است و نزد خدا دعا می کند. درباره اینکه چطور می توانیم مانند حنا در دل با خدا حرف بزنیم صحبت کنید. ما نیازی نداریم تا با صدای بلند صحبت کنیم. خدا منظور دعای ما را می فهمد. (اول سموئیل ۱: ۹ - ۱۶) • آنگاه عیلی به حنا گفت «به خانه برو و غمگین نباش و باشد که خدا آنچه را که خواستی به تو بدهد». از بچه ها بخواهید تا پیش بینی کنند که حنا الان چه احساسی داشت و وقتی مشکلات خود را به خدا می سپاریم چه تفاوتی خواهیم داشت. (اول سموئیل ۱: ۱۷ و ۱۸) • مدتی بعد خدا دعای حنا را اجابت کرد و او صاحب پسری شد. او را سموئیل نام نهاد که به معنی «از خدا خواسته شده» می باشد. حنا فراموش نکرد که سموئیل نوزاد جواب دعاها را می باشد. (اول سموئیل ۱: ۱۹ - ۲۰). ما باید همیشه بیدار داشته باشیم که از خدا بخاطر اجابت دعاهایمان تشکر کنیم. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان دهید: لینک FBI را از ضمیمه ببینید - حنا نزد خدا دعا می کند.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی «بخواهید و به شما داده می شود، بجوئید و خواهید یافت» را تعلیم داده و توضیح بدهید که این کلمات توسط عیسی گفته شده است. او می خواهد تا ما را برکت دهد. مهم تر از همه، او می خواهد تا به ما هدیه رستگاری را با نجات دادن ما از گناهانمان عطا کند.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>از سوالات زیر برای آزمون کوتاه استفاده کنید:</p> <ul style="list-style-type: none"> • الیمک هر سال خانواده خود را به کجا می برد؟ • چرا حنا غمگین و ناراحت بود؟ • حنا چه کاری نمی خواست انجام دهد؟ • وقتی که حنا دعا می کرد چه چیزی نظر عیلی را جلب کرد؟ • حنا چه قولی به خدا داد؟ • وقتی حنا دعا کرد چه حسی پیدا کرد؟ • او چه نام بر پسر خود گذاشت؟ • نام آن پسر به چه معنی بود؟ 	<p>بخاطر بسپارید</p>

C6 داستان ۱

داود - این داستان: خدا داود را به عنوان پادشاه انتخاب می کند.

	<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none"> • خدا به سموئیل گفت که داود را به عنوان پادشاه اسرائیل انتخاب کند. • خدا به ما همان طور که هستیم علاقه دارد - نه این که چه شکلی هستیم. <p>آیه کلیدی: اول سموئیل ۱۶: ۷</p> <p>آیات کتاب مقدس: اول سموئیل ۱۶: ۱ - ۱۳</p>	
<p>معرفی کنید</p>	<p>(در چهار داستان بعدی موارد پیشنهادی گنجانده شده که در [براکت] قرار گرفته است. اینها بعنوان مرور در آخر هر درس در نظر گرفته شده اند)</p> <p>فرض کنید که شما برای مأموریت انتخاب یک پادشاه جدید فرستاده شده اید. چه نوع فردی را انتخاب خواهید کرد؟ جواب های خود را در دو ردیف مرتب کنید - ظاهر یا خصوصیت های شخص. بحث کنید که کدامیک مهم تر هستند. دشوار است تا بتوان فردی را که نمی شناسید انتخاب کنید. برای به تصویر کشیدن دو هدیه را بسته بندی کنید که هر دو از بیرون خوب بنظر بیایند. دو نفر از بچه ها را انتخاب کنید تا بیابند که کدام یک خوب و کدام بی ارزش می باشد.</p>	
<p>تعلیم دهید</p>	<ul style="list-style-type: none"> • سموئیل از طرف خدا در مأموریتی محرمانه برای یافتن پادشاه بعدی اسرائیل فرستاده شد. سموئیل توسط خدا به عنوان پیامبر انتخاب شده بود تا آنچه را که خدا باید به آنها بگوید به مردم بگوید. خدا از اولین پادشاه اسرائیل ، شائول - راضی نبود - زیرا او از خدا سرپیچی کرده بود. (اول سموئیل ۱۵: ۱۱) سموئیل از شائول ناراحت بود اما خدا به او گفت ناراحت نباش. در عوض ، او باید با یک کوزه روغن زیتون (همایش بدهید) به نزد مردی به نام یسی در بیت لحم برود که هشت پسر داشت. سخنان خدا را برای سموئیل بخوانید. (اول سموئیل ۱۶: ۱) • سموئیل نگران بود. اگر شائول پادشاه می شنید که شخص دیگری برای پادشاهی انتخاب شده است، عصبانی می شد و سعی می کرد سموئیل را بکشد. خداوند به سموئیل گفت قبل از انتخاب پادشاه جدید، یسی و پسرانش را بیابد و با هم خدا را عبادت کنند. سموئیل اطاعت کرد. اگر ما خدا را دوست داریم، باید از او نیز اطاعت کنیم و آنچه را که در کتاب مقدس می گوید انجام دهیم. (اول سموئیل ۱۶: ۲-۳) • وقتی سموئیل به بیت لحم رسید، رهبران شهر ترسیدند و پرسیدند که آیا او برای آوردن خبر بد آمده است. سموئیل توضیح داد که به همراه یسی و پسرانش آمده بود تا خدا را عبادت کند. او به آنها نگفت که آمده است پادشاه جدیدی پیدا کند. چرا نگفت؟ (اول سموئیل ۱۶: ۴-۵) • آنچه در اول سموئیل رخ داد: ۱۶: ۶-۱۱ ، بر آنچه خداوند در آیه ۷ به سموئیل می گوید ، تأکید کنید. برای خدا مهم نیست که شخص در ظاهر چگونه به نظر می رسد. خدا به ما علاقه مند است. او افکار ما را در مورد خودش و دیگران که در اطراف ما هستند می داند. به تصویر مورد استفاده در مقدمه رجوع کنید. • داود یک جوان سالم بود که بیشتر روزهای خود را در هوای تازه صرف مراقبت از گوسفندان پدرش می کرد. از کلمات خدا به سموئیل در آیه ۱۲ استفاده کنید. سموئیل مقداری روغن زیتون روی سر داود ریخت تا نشان دهد که روزی پادشاه خواهد شد! از آن روز خدا با داود بود. خدا می دانست که در قلب داود چه می گذرد. اگرچه او جوانترین پسر یسی بود، اما به عنوان شخص مناسب برای پادشاهی بعدی اسرائیل انتخاب شد. توضیح دهید که خدا می داند هر یک از ما نیز چگونه هستیم. خدا به قد، رنگ موها و زیبایی ما نگاه نمی کند. او علاقه مند است که آیا ما او و پسرش، خداوند عیسی را دوست داریم یا خیر. (اول سموئیل ۱۶: ۱۲ - ۱۳). <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان دهید: لینک FBI از ضمیمه را ببینید - انتخاب پادشاه.</p>	
<p>یاد بگیرید</p>	<p>آیه کلیدی را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و شرح بدهید - اول سموئیل ۱۶: ۷. بخش آخر را به بچه های کوچکتر تعلیم دهید.</p>	
<p>بخاطر بسپارید</p>	<p>داستان را می توانید به بخش های مختلف تقسیم و روی کاغذ های مختلف بنویسید و به هم بزنید و اجازه دهید تا بچه ها آنها را به ترتیب وقایع مرتب کنند. از سوالات زیر نیز می توانید استفاده کنید:</p> <ul style="list-style-type: none"> • اولین پادشاه اسرائیل چه کسی بود؟ • خداوند برای یافتن پادشاه جدید از چه کسی استفاده کرد؟ • او به کجا رفت؟ • او باید چه چیزی با خود به همراه می برد؟ • سموئیل از چه چیزی نگران بود؟ • به سموئیل گفته شد تا چه کسی را در بیت لحم بیابد؟ • یسی چند پسر داشت؟ • آخرین پسری که نزد سموئیل آورده شد که بود؟ • سموئیل چگونه نشان داد که داود روزی پادشاه جدید خواهد بود؟ • مهم ترین چیزی که خدا درباره ما علاقه مند است چیست؟ 	

C6 داستان ۲

داود - این داستان: داود با چالشی روبرو می شود.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none"> • داود می دانست که خداوند پیروزی عطا می کند. • می توانیم به خدای زنده اطمینان زیادی داشته باشیم. <p>آیه کلیدی: اول سموئیل ۱۷: ۲۵</p> <p>آیات کتاب مقدس: اول سموئیل ۱۷: ۱ - ۳۱</p>	
<p>آیا در مسابقه ای بوده اید: پیاده روی/شنا/سکوت برای جمع کردن پول برای مدرسه یا یک خیریه؟ بحث کنید. در داستان امروز ارتش اسرائیل با چالش بزرگی روبرو بود - یک غول. بر روی طمین سه متر طول را خط کشی یا علامت بزنید. بگذارید تا بچه ها خودشان را اندازه گیری کنند و با ارتفاع جلیات مقایسه کنند.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none"> • اسرائیل و شائول پادشاه با فلسطینیان در جنگ بودند. به بچه ها یادآوری کنید که اسرائیلیان مردم برگزیده خدا بودند و زمان های بسیار دور در گذشته به ارتش برای برنده شدن در نبردها هنگامی که به خدا توکل می کردند شرکت می جستند. صحنه را با ارتش اسرائیل در یک طرف دره و فلسطینیان در طرف دیگر شرح بدهید. فلسطینیان خدا را دوست نداشتند و به او اعتماد نمی کردند. در عوض اینکه دو ارتش با هم بجنگند، فلسطینیان سرباز قهرمان خود بنام جلیات را برای مبارزه با ارتش اسرائیل فرستادند. هر روز او فریاد می کشید: «یکی از مردان خودتان را انتخاب کنید تا با من بجنگد». قد و قواره و سلاح جلیات را توصیف کنید. (اول سموئیل ۱۷: ۴ - ۷). شائول پادشاه و ارتش او وحشت زده بودند. هیچکس جرات نبرد با جلیات را نداشت. (اول سموئیل ۱۷: ۱ - ۱۱). به نظر شما سربازان چه کردند؟ • سه برادر ارشد داود در ارتش اسرائیل می جنگیدند. نام های آنان را بیابید و چرا این سه پسر یسی توسط خدا به عنوان پادشاه بعدی انتخاب نشدند. در حالی که داود منتظر بود تا بعدا پادشاه بشود و رفته بود تا از گوسفندان پدر خود مراقبت کند. یک روز یسی به داود گفت تا کمی غذا برداشته (نان و پنیر) و برای برادرانش درمیدان نبرد ببرد. داود درست زمانی رسید که سپاهیان برای نبرد صف کشیده بودند و صدای جلیات شنیده می شد که فردی را به مبارزه می طلبید. ارتش اسرائیل از ترس عقب کشیدند. شائول پادشاه پاداش بزرگی را به کسی که با جلیات مبارزه و پیروز شود وعده داد! (اول سموئیل ۱۷: ۱۲ - ۲۵). از بچه ها بخواهید تا درباره اینکه داود چه حسی پیدا کرده بود نظر بدهند. • داود خشمگین شده بود از اینکه جلیات ارتش اسرائیل را به بازی گرفته بود. او گفت: «این بت پرست فلسطینی کیست که ارتش خدای زنده را به مبارزه می طلبد؟» داود از این عصبانی بود که هیچ کس نمی خواهد با این غول بجنگد. او می دانست که خدا به او پیروزی خواهد داد و آنان خواهند توانست جلیات را بکشند. واکنش الیاب را در آیه ۲۸ بگوئید. وقتی که شائول پادشاه شنید که داود چه گفته است بدنال او فرستاد. (اول سموئیل ۱۷: ۲۶ - ۳۱). • خدا وعده داده بود که از امت خود مراقبت کند اگر به او اعتماد کنند. فلسطینیان بت می پرستیدند که از چوب و سنگ ساخته می شد ولی داود به خدای زنده توکل داشت. او می دانست که خدا به فردی که با جلیات بجنگد پیروزی خواهد داد. اگر خدای زنده را دوست داشته باشیم بعد او در طرف ماست و از ما مراقبت می کند. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان بدهید: لینک FBI را از ضمیمه ببینید - مواجهه با یک چالش (جنگیدن با جلیات)</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی اول سموئیل ۱۷: ۲۶ را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و شرح دهید. بر بخش آخر آیه تمرکز کنید. شرح بدهید که بت پرستان غیر یهودی کسانی بودند که بت های ساخته شده دست بشر را می پرستیدند و نه خدای زنده.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>از بچه ها بخواهید تا نقاشی سلاح جلیات را روی کاغذ ترسیم کنند و مبارزه طلبی او را با سپاه اسرائیل بنویسند. یا از سوالات زیر برای آزمون کوتاه استفاده کنند:</p> <ul style="list-style-type: none"> • کدام سپاه با شائول پادشاه و اسرائیلیان در جنگ بودند؟ • نام سرباز قهرمان آنان چه بود؟ • قد او چه اندازه بود؟ • نام لباس جنگی و سلاحی که داشت را بنویسید؟ • او در مبارزه طلبی چه می گفت؟ • داود چه می کرد در حالیکه برادرانش در ارتش اسرائیل بودند؟ • پدرش به او چه کاری داد تا انجام بدهد؟ • وقتی که داود به اردوگاه ارتش رسید چه چیزی شنید؟ • چه چیزی داود را عصبانی کرد؟ • چه کسی بدنال داود فرستاد؟ 	<p>بخاطر بسپارید</p>

C6 داستان ۳

داود - این داستان: داود جلیات را شکست می دهد

	<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none"> • خداوند به داود شهادت داد و بر جلیات پیروزی عطا کرد. • خدا به کسانی که او را دوست داشته و بر او توکل دارند پیروزی عطا می کند. <p>آیه کلیدی: اول سموئیل ۱۷: ۴۷</p> <p>آیات کتاب مقدس: اول سموئیل ۱۷: ۳۲ - ۵۱</p>
<p>معرفی کنید</p>	<p>C6 ، داستان ۲ ، از کمک های بصری FBI را مرور کنید. از کودکان درباره چیزهایی که آنها را می ترساند بپرسید. داود از مبارزه با جلیات نمی ترسید زیرا می دانست خدا با او می باشد.</p>
<p>تعلیم دهید</p>	<ul style="list-style-type: none"> • داود در مقابل شائول پادشاه ایستاد. گفتگوی آنان را در آیات ۳۲ تا ۳۳ بیان کنید. داود می دانست که نیازی به ترسیدن از جلیات نیست زیرا خدا در کنار ارتش اسرائیل است. شائول فکر می کرد داود خیلی جوان است و به عنوان سرباز در ارتش جنگیده بود. اما داود به خطر عادت کرده بود. او در حالی که از گوسفندان پدرش مراقبت می کرد، با شیرها و خرس ها با موفقیت جنگیده بود. مهم نیست که چقدر جوان هستید، خدا می تواند به شما در انجام کارهای مهم کمک کند. آنچه را که داود در آیات ۳۴-۳۷ می گوید بیان کنید. داود اطمینان داشت که خدا او را از خطر کشته شدن در برابر جلیات نجات خواهد داد. (اول سموئیل ۱۷: ۳۲-۳۷) • شائول پادشاه موافقت کرد که داود باید برود و با جلیات بجنگد. بچه ها را مجسم کنید که داود زره شاول را امتحان می کند و به دلیل سنگینی زره قادر به راه رفتن نیست. داود به پادشاه گفت نمی تواند با این همه زره بجنگد و آن را برداشت. در مورد آیه ۴۰ توضیح دهید که چه کار کرد. پنج سنگ صاف را در یک کیسه نشان دهید. (اول سموئیل ۱۷: ۳۸-۴۰) • شرح دهید که چگونه جلیات به سمت داود حرکت کرد و به داود که بدون هیچ زرهی و فقط یک قلاب سنگ داشت خندید. داود نمی ترسید. می دانست خدا با اوست. او به جلیات گفت: «من به نام خداوند متعال ، خدای سپاهیان اسرائیل ، با تو می جنگم». بازگو کنید که چگونه فلسطینیان خدای زنده را نمی پرستیدند، بلکه خدایان سنگی و چوبی را می پرستیدند. آنچه داود در آیات ۴۴-۴۷ می گوید را خلاصه کنید. داود تصریح کرد که نه با قوت خود، بلکه با قدرت خدا، جلیات را شکست خواهد داد. او می دانست خدا با اوست. (اول سموئیل ۱۷: ۴۱-۴۷) • داود مستقیماً دست خود را در کیسه خود گذاشت (عمل را شبیه سازی کنید) ، یک سنگ را بیرون آورد و آن را در قلاب سنگ قرار داد. او قلاب سنگ را به اطراف چرخاند و سنگ را به پرواز درآورد تا در وسط پیشانی گول ضربه بزند (همایش بدهید). این گول بلند ۳ متری زمین خورد. داود از شمشیر جلیات برای کشتن او استفاده کرد. وقتی ارتش فلسطین دید قهرمان آنها ، جلیات ، مرده است ، فرار کردند. خدا به داود و ارتش اسرائیل پیروزی داده بود. بچه ها را تشویق کنید! (اول سموئیل ۱۷: ۴۸-۵۱) • داود به خدا اعتماد کرد که او پیروزی را به او خواهد داد. توضیح دهید که ما مجبور نیستیم با گول ها بجنگیم. دشمن ما شیطان یا اهریمن است که از ما می خواهد کارهای اشتباه انجام دهد. ما باید با کارهای اشتباه در زندگی مان مبارزه کنیم. اگر ما خدا را دوست داریم و از او خواسته ایم تا گناهان ما را ببخشد ، پس او در کنار ماست. اگر از خدا بخواهیم ، به ما کمک می کند که کارهای اشتباه انجام ندهیم و زندگی ای داشته باشیم که او را خوشحال کند. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان دهید: لینک FBI را از ضمیمه ببینید - شکست دادن جلیات.</p>
<p>یاد بگیرید</p>	<p>آیه کلیدی اول سموئیل ۱۷: ۴۷ را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و شرح دهید. توضیح بدهید که این کلمات از سوی داود به جلیات گفته شده بود.</p>
<p>بخطر بسپارید</p>	<ul style="list-style-type: none"> • چرا شائول پادشاه فکر می کرد که داود برای جنگیدن با جلیات مناسب نیست؟ • شائول کدام قسمت از سلاح جنگی خود را به داود داد؟ • داود در عوض از چه چیزی استفاده کرد؟ • داود وقتی جلیات را دید به او چه گفت؟ • داود از چند سنگ استفاده کرد تا جلیات را بر زمین بیندازد؟ • ارتش فلسطین وقتی که دید جلیات مرده چه کرد؟ • چه قدرتی جلیات را شکست داد؟ • چه کسی دشمن ماست؟ • چه کسی به ما پیروزی و کمک عطا می کند تا کارهای خطا انجام ندهیم؟

C6 داستان ۴

داود - این داستان: داود محافظت شد.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none"> • حسادت باعث شد تا شائول پادشاه از داود متنفر شود. • خدا داود را از شائول پادشاه محافظت کرد. <p>آیه کلیدی: اول سموئیل ۱۸: ۱۴</p> <p>آیات کتاب مقدس: اول سموئیل ۱۸: ۱ - ۶</p>	
<p>از بچه ها بخواهید تا مثال هایی از حسادت را بگویند. پیشنهاد کنید که می توانید به کارهایی که دیگران می توانند انجام دهند حسادت کنید، به عنوان مثال، فردی که بسیار باهوش یا اهل ورزش است. یا حسادت می تواند به این دلیل باشد که شخصی چیزی دارد که شما برای خودتان دوست دارید، به عنوان مثال، لباس های زیبا. کتاب مقدس به ما می آموزد که حسادت اشتباه است و اگر اجازه دهیم آن کار بد را انجام دهیم منجر به انجام کارهای بد می شود. خداوند همه ما را متفاوت ساخته است و ما باید به جای حسادت به دیگران، از آنچه به ما داده شده سپاسگزار باشیم. (به حسادت در C۱ داستان ۳ توجه کنید)</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none"> • داود قهرمان بود! پس از کشتن جلیات غول پیکر ، شائول پادشاه آنقدر از داود راضی بود که به همراه شائول پادشاه در قصر او زندگی کرد. داود و پسر پادشاه ، یوناتان ، دوستان خوبی شدند. آنها قول دادند که برای همیشه دوست خواهند ماند. یوناتان چند هدیه به داود داد (یک ردا و کمر بند را نشان بدهید) تا نشان دهد دوستی آنها واقعاً قوی است. در مورد بهترین دوستان بچه ها صحبت کنید. داشتن دوستانی که هر اتفاقی بیفتد همچنان دوست می مانند خوب است. • داود به شخص مهمی در ارتش شائول پادشاه تبدیل شد. هر کاری که شائول به او می داد او به خوبی انجام داد. سربازان دیگر و مردم اسرائیل از او راضی بودند. پس از کشتن جلیات، داود و شائول پادشاه به اورشليم بازگشتند. زنان با تنبور (در صورت امکان نمایش) و عودهای خود به خیابان ها آمدند. بگویند که آنها هنگام رقصیدن چه می خوانند. (اول سموئیل ۱۸: ۵-۷) • فکر می کنید چه کسی این را دید و عصبانی شد؟ (شائول پادشاه). او به داود حسادت می کرد، به حدی که می خواست او را بکشد. عصبانیت و حسادت باعث می شود افراد فکر کنند و کارهای بد انجام دهند. خداوند به ما نسبت به حسادت به دیگران هشدار داده است. (خروج ۲۰: ۱۷) شائول پادشاه به دنبال فرصتی برای کشتن داود بود. داود هر روز چنگ خود را در کاخ می نواخت و معمولاً موسیقی باعث می شد پادشاه شائول آرام بماند و او عصبانی یا خشمگین نمی شد. اما توضیح دهید که روز بعد وقتی دوبار سعی کرد داود را بکشد چه اتفاقی افتاد. شائول از داود می ترسید زیرا می دید که خدا از او مراقبت می کند. او دید که همه چیز برای داود درست است اما نه برای خودش. (اول سموئیل ۱۸: ۸-۱۲) • شائول پادشاه داود را به عنوان فرمانده ۱۰۰۰ نفر به جنگ اعزام کرد. او فکر می کرد که داود در یک نبرد کشته خواهد شد. (اول سموئیل ۱۸: ۱۷ را ببینید). ولی خدا از داود مراقبت کرد و خدا در هر کاری که انجام داد به او توفیق داد. شائول پادشاه حتی بیشتر حسادت کرد و ترسید. اما مردم داود را دوست داشتند زیرا او رهبر ارتشی موفق بود. (اول سموئیل ۱۸: ۱۳-۱۶) • داود خدا را دوست داشت و خدا او را از آسیب مصون داشت. روزی او پادشاه بعدی اسرائیل خواهد بود. اگر ما خدا را دوست داریم و به دنبال اطاعت از آنچه در کتاب مقدس می گویند باشیم، پس خداوند از ما مراقبت و محافظت خواهد کرد. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نشان دهید: لیست FBI از ضمیمه را ببینید.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی اول سموئیل ۱۸: ۱۴ را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و شرح دهید.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>تمام وسایلی را که در آموزش C6 استفاده کرده اید (گوسفند اسباب بازی ، روغن زیتون ، نان و پنیر ، پنج سنگ در کیسه ، شمشیر اسباب بازی ، لباس ، کمر بند ، تنبور) در اختیار داشته باشید. آنها را در مقابل بچه ها قرار دهید و بگویند تا چشمان خود را ببندند. بعد یکی از آنها را بردارید و ببینید که آیا می توانند حدس بزنند که کدامیک گم شده است.</p>	<p>بخاطر بسپارید</p>

دستورالعمل برای معلمان برای ارزیابی و نمره دهی

دروس سطح ۱

- یک صفحه (یا دو در کتابچه) برای هر هفته که عمدتاً شامل رنگ آمیزی و پر کردن جاهای خالی لغات می شود.
- ده نمره برای هر هفته با حد اکثر ۴۰ برای ماه اختصاص داده شده است.
- از بچه هایی که دروس سطح ۱ را می گذرانند انتظار می رود تا بتوانند خیلی خوب بخوانند و از خانواده / بزرگترها انتظار می رود تا به آنها کمک کنند.
- ۲ نمره برای هر جواب اختصاص داده شده و مابقی برای رنگ آمیزی = ۱۰ نمره برای هر درس.

دروس سطح ۲:

- دو صفحه برای هر هفته. (۴ در کتابچه)
- داستان شامل درس می شود. دانش آموزان باید لغات مختلف را از درس بیابند، رنگ آمیزی کرده، آیه کلیدی را کامل کنند و غیره.
- بیست نمره برای هر هفته با حد اکثر ۸۰ نمره برای هر ماه، وقتی که دروس بطور کامل صحیح باشند.

ارزشیابی وقت کتاب مقدس

تذکر و یادآوری برای ارزشیابی

از معلمان ابتدا خواسته می شود تا:

- هر درس را بررسی و پاسخ های درست و غلط را نمره گذاری کنند.
- نکات ضروری را آنگونه که راهنمایی شده امتیاز بدهید.
- همیشه با خودکار رنگ متفاوت تصحیح کنید و جواب درست را تیک بزنید.
- جواب درست را بنویسید، در جایی که لازم است اشتباهات املائی را تصحیح کنید، گرچه نباید بخاطر غلط املائی نمره کم کنید.
- به پاسخهای ناکامل نمره کمتری تعلق می گیرد.
- نمره ها را برای ماه جمع بزنید و آنرا در پشت صفحه در محلی که تعبیه شده بنویسید.

اگر می توانید تا جایی که ممکن است در نمره دادن سخاوتمند باشید تا دانش آموزان را برای مطالعه کتاب مقدس تشویق کنید. در جایی که ممکن است در هر ماه معلم کلمات تشویق آمیز برای دانش آموز بنویسد و فضایی برای این کار اختصاص داده شده است. می توانید در باره خوب رنگ آمیزی کردن، تمیزی، نمرات اخذ شده، درک دانش آموزان از درس، و غیره نظرات خود را بنویسید.

سعی کنیم تا جایی که ممکن است نظرات گوناگون درج کنیم. سوالات، اظهارات، دیدگاه ها، تشویق ها و غیره، همگی می توانند برای حفظ تنوع استفاده شوند. این کار به تعمق نیاز دارد ولی اهمیت دارد تا علاقه دانش آموز سرزنده باقی بماند. اگر اظهار مشابه یا سوالی در هر ماه تکرار بشود، تاثیر خود را از دست خواهد داد.

سطح ۱

نظرات عمومی و کلی

"اعظم جان - از اینکه این دروس را شروع کردی خیلی خوشحالم و امیدوارم که از آن ها لذت و بهره ببری. رنگ آمیزی تو را دوست دارم. آیا به مدرسه می روی؟ برایم از مدرسه بگو. چشم براهم که خیلی زود از تو باخبر شوم."
"آفرین رضا جان. چه قشنگ رنگ آمیزی کردی! آیا می توانی رنگ آمیزی را در درون خطوط انجام بدهی؟ کمی بخاطر رنگ آمیزی آخرین درس از نمره کم می شود."

نظرات روحانی

"آفرین سارا. وقتی عیسی به یابرس کمک کرد چقدر او خوشحال شد."
"جوابها خیلی خوب بود! داستان مرگ عیسی غمبار است ولی جای خوشحالی است که او دوباره زنده شد."

سطح ۲

نظرات عمومی و کلی

"اصغر جان دوباره جوابهایت خوب بود - مطمئنم که معلمت از تکالیفی که در مدرسه انجام می دهی خیلی راضی است."
"زهره جان می بینم که بزودی جشن تولدت فرا می رسد. آیا تولد مخصوصی می گیری؟ هر طوری که تولد بگیری برایت روز شادی آرزو می کنم."
"واقعاً تلاش کردی. فقط کمی اشتباه داری. فراموش نکن تا هر بار جوابهایت را چک کنی."

نظرات روحانی

"رنگ آمیزی عیسی کوچولو را در آخور دوست دارم. چه خدای خوبی داریم که او را برای ما به این دنیا آورد."
"واقعاً رنگ آمیزی ات را دوست دارم! زکریا مجبور بود بخاطر اینکه به آنچه که خدا به او گفته بود باور نکرده بود بهایش را بپردازد. او دیگر هرگز به کلام خدا شک نخواهد کرد."
"جوابهایت عالی بود. مردی که فیلیپ را در بیابان ملاقات کرد واقعاً با خوشحالی به راه خود رفت. او خبر خوش را در باره عیسی شنیده و به آن ایمان پیدا کرده بود."

ضمیمه سطح ۱ - Free Bible Images

Story Images	Title	
دانیال - سرزمین غریب	دانیال	C1
https://www.freebibleimages.org/illustrations/daniel-food/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/rg-daniel/		
بت نبوکدنصر		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-three-men-fire/		
دانیال - پنجره باز		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-daniel-lions/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/rg-daniel/		
دانیال - در چاه شیران		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-daniel-lions/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/rg-daniel/		
مرد نابینا، بینا می شود	معجزه هایی بیشتر	C2
https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-blind-bartimaeus/		
جمعیتی اطعام شد		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/gnpi-053-feeding-5000/		
مردی علیل راه می رود		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/yo-jesus-bethesda/		
دختری مرده زنده می شود!		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/preschool-jairus/		
زکا	معجزه هایی بیشتر	C3
https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-zacchaeus/		
نیقودیموس		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/rg-nicodemus/		
زن سامری		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/jesus-samaritan-woman/		
مرد جوان ثروتمند		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/isc-men2/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/jesus-rich-man/		

ضمیمه سطح ۱ - Free Bible Images

العنوان	صور القصة	
C4	داستان عید پاک	یهودا
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-easter/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-judas/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/isc-objects/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/preschool-jesus-arrested/
		پیلاطس
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-pontius-pilate/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/isc-objects/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-easter/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/preschool-jesus-trial/
		یوسف
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-easter/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/preschool-jesus-dies/
		دو مسافر
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-emmaus/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/preschool-jesus-alive/
C5	روت و سموئیل	روت
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-ruth-naomi/
		روت و بوئز
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-ruth-naomi/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-ruth-boaz/
		حنا نزد خدا دعا می کند
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/moody-samuel/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/isc-buildings/
		خدا سموئیل را صدا می زند
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/moody-samuel/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/isc-men2/
C6	داود	انتخاب پادشاه
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-david-anointed/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-david-sheep/
		نبرد با جلیات
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-david-goliath/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/rg-david-goliath/
		شکست دادن جلیات
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-david-goliath/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-david-lion/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/rg-david-goliath/
		زندگی با شائول
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/rg-david-goliath/
		https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-david-saul/

ضمیمه سطح ۲ - Free Bible Images

Story Images	Title	
دانیال - سرزمین غریب	دانیال	C1
https://www.freebibleimages.org/illustrations/daniel-food/		
بت نبوکدنصر		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/meshach-shadrach-abelnegu/		
دانیال - پنجره باز		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/lis-daniel-lions/		
دانیال - در چاه شیران		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/lis-daniel-lions/		
مرد نابینا، بینا می شود	معجزه های بیشتر	C2
https://www.freebibleimages.org/illustrations/jesus-blind-man/		
جمعیتی اطعام شد		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/gnpi-053-feeding-5000/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/feeding-5000/		
مردی علیل راه می رود		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/yo-jesus-bethesda/		
دختری مرده زنده می شود!		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/jairus-daughter/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/preschool-jairus/		
زکا	معجزه های بیشتر	C3
https://www.freebibleimages.org/illustrations/zacchaeus/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/lis-zacchaeus/		
نیقودیموس		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/rg-nicodemus/		
زن سامری		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/jesus-samaritan-woman/		
مرد جوان ثروتمند		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/jesus-rich-man/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/isc-objects/		

ضمیمه سطح ۲ - Free Bible Images

صور القصة	العنوان	
یهودا	داستان عید پاک	C4
https://www.freebibleimages.org/illustrations/gnpi-085-judas-betrays/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/gnpi-089-prayer-garden/		
پیلطس		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/gnpi-092-jesus-pilate/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/gnpi-093-mocking-jesus/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/gnpi-103-appearance-emmaus/		
یوسف		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/gnpi-099-jesus-burial/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/gnpi-100-guard-tomb/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/gnpi-101-jesus-resurrection/		
دو مسافر		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/gnpi-103-appearance-emmaus/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/disciples-emmaus/		
روت	روت و سموئیل	C5
https://www.freebibleimages.org/illustrations/ruth-1/		
روت و بوعلز		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/ruth-2/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/ruth-3/		
حنا نزد خدا دعا می کند		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/moody-samuel/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/samuel-born/		
خدا سموئیل را صدا می زند		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/moody-samuel/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/isc-men2/		
انتخاب پادشاه	داود	C6
https://www.freebibleimages.org/illustrations/samuel-david-anointed/		
نبرد با جلیات		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/david-goliath/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-david-goliath/		
شکست دادن جلیات		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/david-goliath/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-david-goliath/		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/ls-david-lion/		
زندگی با شائول		
https://www.freebibleimages.org/illustrations/david-jonathan/		



© Bible Educational Services 2019

کپی رایت ۲۰۱۵ - حق انحصاری ثبت شده مخصوص (خدمات آموزشی کتاب مقدس) می باشد

www.besweb.com

طی شماره ۱۱۸۶۰۰۴ امور خیریه بریتانیا ثبت گردیده است

Farsi - 12/2021